

خصوصاً هر کدام و اثر محاسن ایشان باسم و رسم
 و قبضه فرو نیکدارم

پس اولیای شرکت اسلامیة از ابتدای سال
 (۱۳۱۹) لغایت سال (۱۳۲۰) چنین صلاح دیدند که
 منسوجات متشره و مطالبات منکسر را جمع آوری
 نموده يك رشته در منسوجات وطنی باشد برای
 غیرتمندان که هنوز از خیال اول تقاعد بورزیده اند - و
 صرفه ملك و ملت ر در ترویج آن متاع دیده اند و تمه
 سرمایه در امور تجارتی و معاملات نقدی باشد که
 ضمناً سرمایه آن بجهت جلب کارخانجات لازمه و کارهای
 مفیده تقدو حاضر باشد در این دو سال بجهت مطالب
 مزبوره نفی حاصل نگردید چنانچه اعلان آن داده
 شد - و خسارات فوق العاده تنباکو و تریك دو سال قبل
 که طلب را تمام کرد و مطالبات بمنسوجات که در اطراف
 بلاد خارجه و داخله فوق مانده منافی که حاصل کرده
 بود از میان برد - لهذا تقریباً ثلث سرمایه در طهران و
 اصفهان داخل منسوجات است و دو ثلث از معاملات
 نقدی - و اتمه ایران و تجارتخانه آن در طهران و اصفهان
 مجزی است از منسوجات و در رجوع امانات و ارسال
 و مرسول سایرین مستند است و عنوان آنها در هر
 دو جا (شرکت اسلامیة) است - هر کس طالب رجوع
 باشد در انجام مهیات کامیاب شود و رؤسای محترم
 نیز مقرر فرمودند که هر يك از شرکاء طالب نقل و
 انتقال سهام خود بوده باشد لغایت سلخ ذی حجة
 (۱۳۲۱) بموجب حساب و دفتر با ملاحظه از تمویق و
 ضرر - سهام خود را بداره فرستاده با شرایطیکه در
 نظامنامه درج شده است وجه خود را دریافت
 نمایند - و سال (۱۳۲۲) ششمین سال عمر اسلامیة است
 بطلان حسابش داده و سهه هر کس فرستاده خواهد
 شد - (قبیه دارد)

مکتوب از مصر
 کتابی توجیه ذات اقدس ملوکیه
 ...

§ همیشه دلت شاد و فیروز باد
 • شبت عشرت رور نوروز باد •

§ ترا بخت و اقبال باشد بلند
 وجودت بود ایمن از هر گزند •

§ بکام تو گردش کند آسمان
 بزم تو بصرت بود هممنان •

§ تورا باد خرم ریاض جلال
 کند روز خصم تو رو در زوال •

ای پادشاه فیروز بخت وای برازنده تاج و تخت
 سلطنت گوهریست بی بها - و نهال دولت و کامرانی
 بهاریست زهت افزا - چون انتظام هیچ سلسله
 بی وجود عمله و فطنه ممکن و میسر نیست - و هر شغل
 و عمل را از امور کلی و جزوی عاملی ضرور
 البته . مقدمات پادشاهی را که عمده و اعظم امور عالم
 است بطریق اولی بعهده و صلاح اسباب ضرورت
 و احتیاج است - تا بامداد و معاونت آنها دستگاه سلطنت
 را نیز رونق و آرایش بدید آید - چه هیچ ذی شوکتی
 تنها نتواند متکفل تمثیت و فیصله مهیات و معاملات
 مملکت شود و بانفراد از عهده تنظیم امور و تقدیم
 حوائج خاق بیرون آید - بناء علی ذلک شهریار را بجهت
 پرداختن مهام و مشاغل لازمه ریاست فوجی از عمال و
 گروهی از کارکنان که عبارت ازوزرا و وکلا و سایر
 امرا بوده باشد ضرورت و در کار میباشد

اولی چنان است که جمعی را از ارباب عقل و تمیز
 که گوهر طینت آنان از آب و تاب نجابت و فروغ
 اصالت - و در مدارس کمال و اصابت دلیل و کلیات
 قانون بنکونی دات و حسن سلوک و تقدس صفات و
 حکار آگاهی بهره مندی کامل حاصل نموده - و
 چراغ علو فطرت و شعور ایشان در بزم خیرخواهی
 و کامل عیاری برافروخته باشند در امور مملکت دخیل
 فرماید - و بمراتب عالیة تفویض مهام و مناصب سر
 بندی دهد تا بدستگیری تدبیر و حسن مدیریت
 آنها خیر کلانها و جمیع عیان و غیبی باشد

حسب خیر و صلاح از پستی رود - زیرا که از چنین گروهی امری بر حادای جابطه خیر و تقوی حال رعایا و برایا و تحصیل دعای بیک برای ماطان و سایر امور صالحه مطهور برسد - و آنچه سارید و برآید در دنیا نقص و قصور مبرا و اصلاح دولت و عساکر و معات مفروون باشد - و حس و علم از این سبب - بکا و عمل مخصوصه خود مشغول و سریع نشین مهند آتش و راحت باشد بجز از ان بشمار اندازد - یعنی و بدعای خیر صاحب ملک یعنی پادشاه و آن قدم باشد

هرگاه عاملان و ماطان درگاه ریاست چنین انتخاب شوند رود بروزه آن فای است حکام در بیان مصر و امتداد دولت و اب و ربان از در گلشن افتد از ر حشمت آن شهریار عاود و صمیمه در دیده بجه خلیل و فساد از هیچ طرف در بیاید اول آن ساطت و گرد فتور بدامن انعام ملک و عافیت حافی الله نرسد هر چند وجود این گونه ملازم - چاکر که بحسب سلامت نفس مدعا و معال - ولی نعمتش را بر مصلای خاطر و خواهشهای نفسان خود رجیح داد خلاصه زندگانی را به بهای متع نیک نامی - اسب حصول خیریت کار و حال نروم حرد سپرد بسیار کم بلکه چون معنی وفا و صوت عدا تغییر از نام در عالم وجود و نشانی ندارد - هر چه بر بحسب بوا در فاقات یکی از صاحبان اقبال چون افاقه که های وجود ملازم شایسته بدام اخلاص کیشی بحسب مسعودش در آورد - آنرا از جمله یاریهای اقبال بلکه از شمشهای کامله ایزد متعال تصور کند که چاکران معایع عاقل و فادار بمد یایه دولت و طراوت بخش گلزار آبرو و اعتبار سلطنت خودند

§ به از برادر و فرزند چاکر نیکوست

• اگر بچنگ تو افتد چو جان عزیزش دار

§ که این عطیه بزور و بزر بستی و بجهت

• بکس نصیب نگردد بویچ شهر و دیار

§ بود ملازم بد خصم جان سیرت و مال ... مساز محرم اسرار حویشتن زنبازده ... § می ملازمتش را با اختیار منوش ... که نیست نشه سراین باوه را بشیر خوار ... ای پادشاه از چند ساز این عنوان را بدان سبب بوارش آوردم و سرود این ترانه را ساز کردم که بر صمیر منبر ملک عکس پذیر گردد که ملازم شایسته بخیر خواه در هر حاق از حالات ناصر درجات جله و شمش خدمت خود میباشد - و شهریار را بجهت حفظ دولت از تربیت و رعایت خادم و چاکر آگاه دل خیرخواه چاره نباشد - چه از ملازمان صدق اندیش اخلاصمند حدیفه عظمت و یادشاهی خرم و تازه گردد - و از سموم آفت و خزان آسیب دخل و شرکت سفته و غماز بدگوهر که گرگ کلایه دولت و عافیت ملت است در هر نفس سرسبزی بهار اقتدار چندین سلسله های عظیم قویم پایمال صرصر بیروقی گردد - و از کوره نفس شوم قانون محرض به طمع آن سکروه مفسد آتش ظلم و بدعت چسان شعله ور گردد که خشک و تر حاصل رقابیت و آرام بخاق را بسورد - و تاشقی امنیت چهار موحه گرداب هرج و مرج شود - تخم فساد از هر صده ملک بروید - کاخ نظام دولت سرنگون گردد

§ نغمه چو شش شه سکند اعجاب

• دهد خاک ملک امارت به باد

§ بهای که عمراز باشد دخیل

• بود اندران ملک راحت عایل

§ که غماز گرگست و دولت رومه

• چه ره یافت تاراج گردد همه

عقلاء فرموده اند آنقدر که آتش به بنه نقص رساند و از سنگ بشیشه شکست آید صد چندان از سیلاب دخل غماز و سفته باساس کاخ دولت سلاطین و امرا آسیب و شکست رخ نماید - اختر اقبال هر دولتر که کسوف ادبار در یابد - و رونق سلسله بهر جمعیت را که تفریق پریشانیها منتظم گردانند اگر بدیده غور

ملاحظه شود بخوست و شامت مشارکت و دخل
سفه و غماز است

چون کوکب جاه و جلال (جشید) را ارتفاع تام
پدید آید و درجه عالی بهرسید - یکی از مؤبدان او را
پرسید این فیوضات و فتوحات درجات ترا از کجا روی
داد و بنیاد شوکت تو از چه تدبیر جنین محکم گردید
بجشید جواب داد از اینکه غماز را بخود راه
تاریخ - و امور مملکت را بسنله و نادان سپردم -
و بسختی بدگوهر اعتماد نمودم -

مشهور است که یکی از (فریدون فرخ) که از جمله
شهریاران نوعی الاحترام ایران بود پرسید که نسیم دولت
تا کی سیار بیستان سرای تو خواهد بود - و آب و رنگ
ثروت تا چند زیب افزای رخسار شاهد دودمان تو
خولید - فریدون بمقتضای فر شعور گمت
تا وقتی که خزان غماز را راه عبوری بچس احلال ما
میقد

(اسکندر) ذوالقرنین از ارسطو سؤال نمود که بحسن
دلیوز دولت چه حادثه خلل بیشتر دارد؟ ارسطو گفت
لفظ نامحرم - اسکندر پرسش کرد نامحرم حال دولت کیست؟
ارسطو گفت غمناز و سفله - چه اگر چنگال گرگ
غماز و تسلط سفله بکله ریاست نرسد و زورق سلطنت
از باد مخالف بدعت بدگوهر شکستی بدید نیارد بقوت
سر نیجه هیچ خلل طومار استقلال دولت پیچیده نشود -
زیرا که بنای خدمت سفله و بدگوهر بر قاعده آید و
بم است - چون از خوف ایمن نرسد چراغ خیرخواهی
و عاقبت اندیشی را خاموش سازد و تحصیل مال و
خواهشهای نفس سرکش و مقتضیات طبیعت زشت خود
سلسله جرأت بجهش آورد و آثار بدعت و امور
شنیعه که از طبع خلل پسند نا ارجند او وقوع یابد
موجب انهدام بنیان رفاه حال و جان و مال و سیرت
خالق گردد - آتش این فتنه سرشار و شرار دود آه
ضعف در خرمن بقای جاه و ملک معموره مملکت افتد
و هر آنکه ز طایفه عالی را بیاید فنا دهد

§ دهد سفله را هر که باخویش راه

قد زود از پایه عز و جاه *

§ هر در صکه یا ره بد گهر

بارکان آدر رساند ضرر *

§ بزرگی که باشد ارازل پرست

رسد زود و بصرجهش شکست *

§ بدل مهر غماز آند ختن

برد آتش شور افروختن *

§ شمسد کما سله حق نمک

نیابد ز عفریت صکار ملک *

§ صدسال اگر ما را جان دهی

ز اعضای خود طعمه آن دهی *

§ چه آخر قد فرست او را بچنگ

بجانت رساند خطر بیدرتنگ *

از بزرگان ماثور است که هیچیک از بنی نوع
انسانرا حرامزاده نتوان گمت مگر بفراز و رساند
حضرت علی ابن ابی طالب علیه السلام که البته حکم بر
حرامزادگی این دو گروه خطا کار باطل ناقابل
میتوان کرد چه صفات و نشانهائی که ارباب یقین
بحرامزاده استناد نموده اند از ناصیه اعمال این دو گروه
مردود نامحمود ظاهر و هویداست

درخراست که بیخ زبان بدمت هیچکس نمیتوان
آلود و احادیث صحیحیه در باب غیبت و مذمت از کلدسته
بند جن اقتدار آب و رنگ کازار آفرینش هر دوسرا
خاتم الانبیاء محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم مروی
و ماثور است که فرموده اند هر کس بفضیحت شخصی
اقدام کند چنان باشد که گوشت میت برادر مؤمن
خود را خورده باشد - اما غیبت فاسق نمیتوان نمود که
هر آینه قدرگناه غیبت ثواب در ضمن آن ندرج است
و علما فرموده اند که فاسق معین غماز است زیرا که
خیانت و معاصی او آشکار است

در آثار صحیحیه از روایت تقه وارد است که یکی
از ایمان بر حیدر که ایمان را چه گناه بیشتر زبان رساند

گفت صحبت غماز و سفله زیرا که جمع حرمت و نامشروعیت را بدلائل عقل و براین نقلی معلل بخوامش نفس خطا کار خود مباح و حلال در نظر عوام الناس بجلوه در آورند - و از زبان خدا و رسول و ائمه طاهرين صلوات الله عليهم اجمعين افتراء زنند و روی دل جنبدین جاهل غافل را بوسوسه زبان و نیرک و فسون از عزیمت سکه حق شناسی و راه راست منحرف گردانند

از بزرگی پرسیدند که عماز را بچه نشان باید شناخت و بچه نحو تحقیق حال او توان کرد گفت غماز آن باشد که عجب و غرور ورزد - و در هر مجلسی که رؤیت بی‌مبمنت اولوای تیرگی و ظلمت برافرازد خود را ستایش کند و در هر کمال و صنعت افلاطون را سبق آموز صنایع خود شمارد و بجهت حصول مطالب و اغراض نفس خود غیبت خلق کند و نظر به منفعت خود نقصانها بخلق رساند و کلمات مردم را بعیب تأویل نماید و در جمعی که قافله طاعون حضورش بار گشاید هر کس را بزیر چشم بیاورد باشد که با اشاره چشم و ابرو مردم را بفیبت بچارگان سالزند - و بوسوسه سرگوش و رمز برده از روی حال سگان بردارد و همیشه بخلق خدا گناهای بد برد و باموریکه مخالف احکام خدا و رسول باشد دلیرانه قیام نماید و خلق را بذا مشروعات ترغیب و تحریم کند

در خبر است که اگر عماز دعوی اسلام و ادعای محبت پیغمبر و اولاد او نماید هر کس قبول کند با جمیع شرارت‌های او شریک باشد

§ تو گر بنده ایزد داوری

و گر تابع قول پیغمبری •

§ ز غماز روی محبت بتاب

که تا کاخ دینت نگرده خرابه

§ که غماز از رحمت حق جداست

• مروز برود دشمنان خداست •

§ وجودش بود خانه زاد خطا

• نهی باشدش دل ز مهر و وفا •

§ بود دشمن حق و خصم رسول

• جهنم بود جای آن بوالفضول •

§ با زر عماز همت کار

• که رنجش بود طاعت کردگار •

چنانکه بیمار را از غذای معصد پرهیز و احتیاط از شرایط حفظ بدن و موجب صحت و تندرستی است پادشاهان را نیز بجهت عذیبه واجب بلکه لازم است که وجود غماز و سفله را نامحرم سلطنت و مغرب نشای امور ممالکت دانسته راهی به کشور اهتاء حریمت ندهند که هر آینه غماز از فیض رحمت الهی محروم و بی نصیب است - و بهرامری که دست رساند ابر را سازد - و بهر معنی که داخل گردد اهل آن مجمع و نحوست تا صوابش لب تشنه ادراک سعادت یابند - چنانکه قوم بی اسرائیل رهگذر بشامت وجود غمازی که در میان ایشان بود از نزول رحمت سبحان محروم مانده بودند - چون پست روانه بود زیاده ازین مصدع نمیشود (ح - ک - س -)

اعلان دولتی

ار اداره تذکره ایران

چون سابقاً اشخاصیکه از ممالک محروسه ایران بزیارت بیت الله الحرام زادالله شرفاً و تعظیماً مشرف میشدند مأمورین دولت علیه ایران در نقاط مفصله ذیل (طرابوزن - صامسون - اسلامبول - اسکندریه -

سویس - بنج - بصره - جدّه)

تذکره آنها را معاینه نموده باقتضای محل

هر تذکره دو مجیدی وجه امضاء دریافت مینمودند

لذا حسب الامر مطاع هاپون شامنتشای خلدالله

ملکه و سلطانیه محض رقابیت عموم تبیه دولت علی

که منظور نظر مبارک ملوکانه است اعلام میشود که از

تذکره حجاج در هیچ یک از نقاط مزبوره وجه امضاء

گرفته نشود - مگر در (جدّه) یا (بنج) که محوم جانی

برداشتند بجز کثرت از متعلمین علمی مدرسه هم تصویر
 بی نظیر مبارک اعلی حضرت شاهنشاهی ابد عیسه و ابد
 حیسه را بامداد کرافیت در کمال شباهت کشیده بتوسط
 مدیر مدرسه بخاکپای مبارک تقدیم نمود

لهذا زانداً علی الوصف مورد تمجید و تحسین ملوکانه
 گردیده باعطای مبلغ پنجاه تومان انعام مدرسه سعادت را
 قرین مباحات فرمودند

ادب

بسم الله درین عصر مبارک بواسطه توجهات و
 عنایات خاصه ندگان اقدس اعلی حضرت قدر قدوت
 شاهنشاهی خلدالله مایه که بترقی و پیشرفت علوم
 معارف ملک مصروف است امیدواریم که باستقامت بیت
 باک خداوند وطن و مساعدت استعداد جوانان قابل
 هوشمند عنقریب مملکت ایران دارالعلم عالم خاک و مرکز
 صنایع و معارف گیتی گردد. ایکاش گذشتگان ما که در
 حسرت چنین روزی تا دم مرگ آه سرد از دل آتشبار
 می کشیدند سر از خاک بدر آورده و بر این شهریار
 معارف پرور دانش دوست ترقی خواه از صمیم قلب
 دعا کردند

الحق مدرسه سعادت از بن توجه و مساعدت جناب
 مستطاب آقای وزیر علوم مدظله العالی
 و حسن کفایت و انتظام و صحت تعایات مدیر محترم
 آنجا جناب آقا میرزا شکرالله خان مترجم الدوله که شرف
 سیادت و سعادت را با مایه علم و هنر توأم و فراهم
 ساخته است میتوان گفت که از مدارس درجه نخستین
 این عصر هایون بشمر میرود

چون مدرسه مزبوره محل اداره ادب نزدیک
 است و با مدیر دانشمندان سابقه معرفت و ارادت
 داشته ام چندین کت در آنجا رفته و محصلین آن
 دارالعلم را محتجن و مجرب داشته ام

عده شاکر دایه مدرسه سعادت صد و پنجاه نفر
 متجاوز است و قریب ده تن معلم کاردان درین کارخانه
 انسان طرزاری از بام تا شام بیست آموزگاری حاضر

ایرانی تذکره های خود را باید به جنرال قونسل جده
 یا نایب پنج ارائه بدهند که جنرال قونسل مرقوم یا
 نایب مذکور سه عجمیدی بابت هر تذکره دریافت نموده
 تقریباً بیست تومان چسبانیده امضا بنمایند. و دیگر دیناری
 به بیج اسم و رسم از حجاج بیت الله الحرام در نقاط
 خاک عنانی و بنام بلاد حجاز گرفته نخواهد شد و احدی
 هم از ادای سه تومان وجه امضا مستقنا نخواهد بود
 هرگاه حجاج تذکره خود را در جده یا یمن بامضای
 جنرال قونسل جده یا نایب پنج نه رسانیده مراجعت
 نمایند مأمورین تذکره دولت علیه در سرحدات بالمضاعف
 وجه امضا را دریافت خواهند داشت

تقل از روزنامه ادب

مدرسه شریفه سعادت

سوم چهار شنبه چهاردهم شهر شعبان المعظم
 موکب مسعود اعلی حضرت اقدس شاهنشاهی ابدالله عیسه
 که بزم زیارت حضرت شاهزاده عبدالعظیم علیه السلام
 در خیابان جناب آصف الدوله حرکت میفرمود (مدرسه
 سعادت) واقعه در خیابان مزبوره را با اجازه سالف
 وزارت علوم و معارف از معلمین و متعلمین و غیره
 در خیابان در خط راه موکب مسعود هایون صف
 آراش مرتب و منظمی نموده در عبور موکب مسعود
 شاهنشاهی از محاذات مدرسه مجتمعاً و متحداً مختصر
 خطبه مبنی بر دعا و ثنای ذات مقدس اعلی حضرت پادشاهی
 خلدالله مایه که فریضه جمیع ابناء مسلمین است قرائت
 کردند (مدرسه سعادت) مورد الطاف کامله ملوکانه
 گردیده مدیر مدرسه را احضار فرموده پس از تحقیقات
 از حال مدرسه و اجزاء آن بتوسط جناب سردار انجم
 لایحه جمیع معلمین و متعلمین مدرسه احوال پرسی و
 درباره احوال و اجزاء نیز اظهار التفات و مراعیه خاصه
 فرمودند

تا عصر بهاروز در قوقع مراجعت موکب مسعود
 کاخنشین هیئت مدرسه مجدداً دو خیابان حاضر شده
 بیست و شش نفر از معارف و معارفین و معارفین و معارفین

است و از بسیاری از علوم و اله در آنجا تحصیل
میشود و مدیر جلیل‌القدر در تمامت سزنیات و کلیات
با احوان و معلمین همراه و معاون است و درس همه
شاگردان را شخصاً رسیدگی نماید - اما تلامذع این
مدرسه همگی از خاندانهای قویم و دودمانهای قدیم دارای
جوهر اصالت و عنصر نبالت میباشند و نام چند تن
از مشاهیر و معارف ایشان ذیلاً تذکره گردد.

میرزا مصطفی خان پسر آقا میرزا سید احمد

میرزا محمودخان پسر مرحوم صاحب دیوان

میرزا حبیب‌الله خان برادر سالار انجم

میرزا باقر خان برادر زاده وزیر دواب

مؤیدالملک - صارم‌الملک

عسکرمیرزا پسر اصرافه میرزای قاجار

حسین خان - و محسن خان - و ابوالحسن خان

همه پسران احتشام قاجار

نصیر خان پسر سلطان‌الکتاب

علی اکبر خان و غلام حسین خان و سایر پسران

مرحوم میرزا علی محمد خان برادر زاده مرحوم

دیرالملک فراهانی

کربلا عملاً

این ایام بواسطه کثافت هوا مرضی شبیه به وبا
در کربلا ساری شده - باقتضای موسم نمیتوان گفت
این مرض وباست - چه مرض وبا در این نواح موسم
زمستان بروز نمیکند در هر صورت این مرض مورث
پریشانی اهالی شده عده تلفات روزانه تا صد و هشتاد
نفر رسید - ولی در چهارم و پنجم شوال عده تلفات پهبشت
نفر رسیده بود - برخی را عقیده بر این است که به نجف
هم سرایت کرده است - فعلاً حکومت سخت محکم
بقراینه داده و مردم هم بروضه خوانی و تعزیه‌داری
و تمسک باهل بیت طهارت وقت میگذرانند زوار را
هم از کاظمین عودت دادند اهالی کربلا نمیتوانند هیچ
طرفی در رخ نمایند چنانچه از زوار فرا را از کربلا
بیرون آمدند در مصیبت آنها را قرنطینه نهادند

بندر عباس

باز (میناب) متوالیاً سبب می‌دهد که مرض وباهلپور
و بروز نموده سال گذشته در اول زمستان در میناب
وبا بروز نموده متجاوز از صد هزار نفر را هلاک نمود -
سبب صدمه این همه تلفات همانا بودن حکیم صبیح بود و نبود
ورنه مرض چندان شدت نداشت - خوبست دولت توجه
مخصوصی درین باب فرموده اقلاد در هر شهر واقعه
یک داکتر ایرانی با دولخانه برقرار دارد - در
متن واقع چون نظره شود هر قدر از درطیای کثرت
شوند قصان دولت استدرجه دخل دولت ناز قوس
و بطریق سرشار درطیاست - خلاصه اسالم همان موسم
سال گذشته مرضی وباهلپور نموده است که غالب اهل
میناب به بندر عباس و لنکه پراکنده شده اند

مکتوب از بوشهر

(۱۳۰ شهر شوال سنه ۱۳۲۱)

سه یوم قبل از طهران تلگراف رسید که زوار
را از حرکت بعتبات طلبات مؤکداً ممنوع دارند و زوار
و اشخاصیکه از عتبات از طریق بصره وارد بوشهر
میشوند از دخول به بوشهر بدون قرنطین ممنوع باشند
جناب سالار معظم حکمران کل بناحد و رجوازه در
اجرای حکم دولت تا کید فرمود

دیروز که دوازدهم شهر شوال بود کشتی (کسلا)
که حامل بست بود از بصره وارد بوشهر گردید
معالی سلطان نایب وزارت کربلها یک نفر باژیکی وارد شدند
معالی سلطان با اهل عدیال قصد زیارت عتبات داشتند که
در ضمن ماء و ریتی هم داشتند ولی بواسطه جاری کربلا
از فیض زیارت و دیدار عالیای اعلام محروم ماندند حاجی
محمد بین‌التجار یکی از بستگان جلود نوشته بود که چون
تیر از بیعت رها شده وقتن من برای مقاصد مطالعه به عتبات
طالبات نمر نخواهد بخشید ازین رو ترک این سفر است

این اوقات بارندگیهای ممتد در بوشهر و مضافات
شهر پس از بارش و تا اینجای اسباب امیدواری را کرده
آقا میرزا محمد علی خان پسر میرزا سید محمد

از خلیفای جدیدی دولت بوده اند و شخصاً چند سال بسمت
 مأموریت کارگزاری بنادر اشتغال داشت بیک قطعه
 نشان لاسنت آنای روس از درجه سوم مفتح و مباحی
 آمد

قرب دو ماه است که میرزا محمد باقر خان میر بجه
 مهندس بجای مرحوم میرزا علی خان میر بجه مهندس
 که سال گذشته برای بنای قلعه در بوشهر آمد و
 در همان لوآن ریاست قشون بنادر باو واگذار شده
 در ماه جمادی الاول داعی حق را لبیک گفته در
 امازاده که خارج از شهر است مدفون گردید مأمور
 شده است مشارالیه از مردمان متدین صحیح است
 خلیفه اعظم ارامنه اراصفهان وارد بوشهر گردیده
 و بجانب هندوستان رهسپار است - این خلیفه رئیس
 روحانی سلطانه هند و ایران است مردی پر مغز و
 داناست البته سفر او خالی اهمیت نتواند بود
 دو هفته نمی شود که کشتی بزرگ (کاتولیک) از
 بصره وارد بوشهر شده مهمان انگلیس است

اجرت امانات پست بین هند و انگلستان

از آغاز سال و وان اجرت امانات پست هند به
 انگلستان تخفیف شده - سابق بر این رطلی دوازده آه
 اجرت پست بود - و دو رطل یک رویه و سه رطل
 یک رویه و دوازده آه از آغاز جنوری سه رطل
 دوازده آه اجرت پست مقرر شد و تا هفت رطل
 یک و نیم رویه و تا یازده رطل دو رویه و چهار
 آه این تخفیف اجرت پست امانات خیلی سبب ترقی
 تجارت هند و انگلستان خواهد گردید

از ابتدای جنوری سنه (۱۹۰۴) اجرت پست
 اخبارات را هم که چهار توله (ده مقال) یک پیسه
 بود شش توله یک پیسه قرار داده اند این مراعات فقط در
 استغابجات راجعه بهند است - هر گاه مراعاتی هم در
 اجرت پست اخبارات برای خارج داده شود مبادله
 خیالات اهالی هند با ممالک سائره پیش خواهد گردید

اسرای بوئر در هند

آمدن (جنرل دایری) سبب شد که بوئرایکه حلیف
 اطاعت ده انت انگلیس می شدند تسلیم شده حلف
 اطاعت نمودند - اسرای بوئر را گمان بر این بود که
 جنرلهای ما تفوق حاصل کرده دولت انگلیس را
 شکست داده اند - چون (جنرل دایری) نزد بوئران آمد
 همه او را سلام رسمی داده جنرل موسوف نیز با محبت
 و لطف با ایشان پیش آمده هر چه آنها سؤال کردند
 يك يك جواب شافی کافی داده بیان نموده که
 مرضی آلی بر مغلوبیت ما بود ما ما نیز باید راضی
 برضا و تسلیم بقضای و باشیم - چون تمام فرق بوئر از
 سرباز و سردار کشوری و لشکری حلف نموده اطاعت
 دولت انگلیس را قبول کرده اند شهاها نیز باید پیروی
 از آنها نموده حلیف اطاعت انگلیس شده بجانب اوطان
 خویش رهسپار گردید - اگر چه بر رجال غیر و شوار
 است که دست بیگانگان را بدانان عصمت ما در وطن دراز بیند
 ولی غیرت مندان عالم را روشن است که ما و شما در حفظ
 و حراست وطن خود کوتاهی نکریم - قوه تقدیر بجه ما را
 بچاند - پنج ساعت کامل با این جماعت صحبت داشته نطقهای
 بلیغ دلسوز داده عاقبت آنها را راضی نموده که حلیف
 اطاعت دولت انگلیس شده روانه اوطان خویش
 کردند - از آن بعد رهسپار (سیلون) شد که در آنجا نیز
 اسرای بوئر را راضی بحلف اطاعت انگلیس سازد

امتداد ایام حکومت لارد کرزن

از نطقهای لارد کرزن و نگارش اخبارات
 انگلیسی هند و لندن چنان مستفاد می شد که چند سال
 ایام حکومت لارد کرزن را زیاد نموده اند - ولی از
 قطعی که (لارد کرزن) در اطاعت (الورد) داده صاف
 ظاهر میشود که معزی الیه اضافه میعاد ایام حکومت را
 قبول نه نموده - چه لارد موسوف در نطق خود
 میگوید که این آخرین نطق است که من در راجیوتاه
 میدهم و ممکن است که ازین و بعد مرا موقع دادن
 نطق در راجیوتاه نیاید - اگر امتداد ایام حکومت را

طلب شده درین دو سه روزه باید برسند عام و خاص روی خاطر و توجه قلبی شان بجناب حاجی امین الدوله است که از برکت سیاست ایشان خرابیهای سابقه تعمیر شود حضرت والا شاهزاده عین الدوله نیز منتهای میل را به آمدن حاجی امین الدوله دارند تا توأم امور ملک و ملت و دولت را اصلاح نمایند

وزیر انجم که از مردودین امین السلطان بود بطهران طلب شد

آقا شیخ یحیی که در اغتشاش دو سال و نیم قبل گرفتار و بادر بیل فرستاده شده بود تلگرافاً بطهران این خواستند آقا شیخ یحیی مرد قاضی لیب و از آقا زادگان کاشان است که مثل سایرین امین السلطان به نهمت گرفتارش کرده بود

اقبال الملک را نیز که از مردودین امین السلطان بود بطهران طلب نمودند

طهران امن است جز وافلاسا صدا از صدق بلد نیست - همین قدر که عمل مالیه دوات منظم شود جمیع امور خود بخود اصلاح میشود - چه مابع و طایق اصلاحات که امین السلطان بود از میان برخاست تا اوائل نوزدهم تبدیلات عمده در ادارات دولتی خواهد شد

کلکته

امسال زراعت و حاصل نیل کلکته نسبت بسال گذشته پیش نهمیناً یک و نیم برابر است - ولی بختناست سنوات سابقه زیاد نیست - صاحبان بیل اراده دارند که اضافه بر سال گذشته قیمت حاصل نمایند - خریداران طالب کمی قیمت اند - ولی طاهرا ده پست رویه از سال گذشته کمتر قیمت آرد - اگر چه تا کنون نیل مصنوعی آلمان بدرجه کمال رسیده ولی شکست ناخوشی با بیل هند داده و خواهد داد - ولی نمیتوان گفت این زراعت و تجارت یکدفعه از صحنه منقح شود چه مایه نیل مصنوعی آلمان هم همین نیل است - بازار چایی به قرار سابق است جنساً مالد تنزل کرده ولی قیمتاً کم شده است امسال قیمت چایی هند را روسها بالا بردند

انجمن مظفری کلکته بیمت و باریکی از ابتدای جنوری ماه جاری افتتاح شد المشافه شرح آن را مفصلاً در آتی خواهیم نگاشت

لورد کرزن قبول نموده بود لابد در راجپوتانه هم مجدداً سیر می نمود - چون در دربار لندن بعد از گفتگوی امتداد حکومت لورد کرزن انقلابات و تبدیلات زیاد واقع شده وجود لورد کرزن در لندن لزوم بهم رسائیده بعید نیست لورد موصوف بعد از رفتن بلندن وزارت خارجه یا وزارت هند و مستعمرات را خواهد گرفت - سپس بورارت اعظم انگلستان نائل خواهد گردید ازین رو لورد کرزن شخصاً هم در هند ملازمتوقت نیست

صادرات هند در ستمبر ماه گذشته در ستمبر ماه گذشته صادرات هندوستان بموجب دلیل بقم آمده است

پنبه - صد و دوازده هزار و ۹۱۸ هندرویت گندم - سه میلیون و دویست و ۶۱ هزار و ۲۴۶ بزرگتان - با صد و ۵۶ هزار و ۷۶۳ نیل - ۱۰۶۷ ژوت - دو میلیون و دویست و ۹۴ هزار و ۱۹۵ چایی - دویست و ۳۸ هزار و ۸۲۲ برنج - چهار صد و ۹۹ هزار و ۴۹۶

صادرات هند از ابتدای جنوری (۱۹۰۳) الی ستمبر ماه که عبارت از نه ماه باشد از قرار ذیل است

میلیون	هزار	هندرویت
پنبه - ۷	۷۰۰	۶۴
گندم - ۲۱	۷۸۱	۳۷۶
بزرگتان - ۷	۶۰	۷۴۰
نیل -		۱۲۳۴۷
ژوت - ۵	۸۸۰	۶۱۱
چایی -	۲۵۲	۱۴۵
برنج - ۵	۹۳۶	۵۹۵

یک هندرویت عبارت است از ۲۸ من هند و من هند چهل سیر و دویست مثقال است

مکتوب از طهران (۲۰ رمضان ۱۳۲۱)

جناب مؤید الاسلام - موک مسعود مبارک هابونی دوازدهم شهر رمضان از زیارت معصومه قم بزمخت بخش دارالخلافه ناهره گردید

جناب اشرف حاجی امین الدوله مؤکداً از رشت

جبل المتین کا کتبہ

مدیکل کالج استریت نمبر ۴

کلیہ امور ادارہ

ہمدیر کل مؤید الاسلام است

منتظم ادارہ

اقامہ جواد شیرازی است

ہر دو شنبہ طبع

وسہ شنبہ توزیع میشود

بتاریخ دو شنبہ

۲۹ شوال ۱۳۲۱ ہجری

مصادف

روزنامہ مقدس

جبل المتین

سنہ ۱۳۱۱

قبل از دریافت نمودن قبض ادارہ

قیمت اشتراک

سالانہ - شش ماہہ

ہند - و برمه

۱۲ روپیہ - - ۷ روپیہ

ایران - افغانستان

۵۰۰ قران - ۳۰ قران

عثمانی - و مصر

۵ مجیدی - - ۳ مجیدی

اروپا - و چین

۳۰ فرنک - ۱۷ فرنک

روس - و ترکستان

(۱۸ جنوری ۱۹۰۴ میلادی) (خریداران نباید قیمت اخبار را با حدی تسلیم نمایند) (۱۰ منات - - ۶ منات)

در این حریده از ہرگونہ علوم و وقایع سیاسی و منافع دولتی و فوائد ہای بحث میشود
مراسلات عام المنعمہ مقبول و در انتشارش ادارہ آزادست

فہرست مندرجات

- تلکرافات • یشین گوئی • اخبارات خارجہ •
- مکتوب از مسکو • مکتوب یکی از دانایان • شرح
- حال جنادلہ نجف • مکتوب از کربلا • مکتوب بیفرضانہ •
- عمرہ • مکتوب از طهران • جبل المتین • تشکر و
- سپاسداری • نقل تعلیئۃ - حضرت مستطاب ... حاجی
- میرزا حسین حاجی میرزا خلیل • نقل تعلیئۃ حضرت
- مستطاب ... بندگان فاضل شرایانی • سواد تعلیئۃ
- حضرت مستطاب ... بندگان آقای امام جمعہ طهران •
- جبل المتین • مکتوب • نقل از روزنامہ شرفۃ ادب •
- ادب • ترجمہ از روزنامہ رپوریمیای روس • جبل المتین •
- ترجمہ از روزنامہ طمس بمبئی • جبل المتین • العقاد
- مجلس جشن •

تلکرافات

(۲۱ شوال - دم جنوری)

- تلکراف ہم رسمی کہ بیاریس و ویانہ از (توکيو)
- رسیدہ ظاہر میدارد کہ خیالات ژاپون فعلاً برابن نیست
- کہ بجانب (کوریا) لشکر بفرستند. سزیر ژاپون مقیم لندن
- ازین خبر اظہار لاعامی میدہاید
- غیر (روتر) از (پکن) خبر میدہد کہ بین

سفیر ژاپون و (پرس چنگ) مغابہ زیادی شدہ (پرس چنگ) اظهار داشتہ کہ دولت چین در مشاجرہ درلین روس و ژاپون بی طرفی اختیار خواهد نمود

خبریکہ بہ (پکن) رسیدہ ظاہر میدارد کہ جواب روس بزبون اگرچہ نرم و ملایم است - ولی منشاء و مصدرش خیلی سخت و ناگوار میباشد آنچه مسلم است دولت ژاپون از خواہشہای خود نخواہد کاست - این امر نیز افواہ است کہ دولت ژاپون برای تکمیل مہمات جنگی خود ملوات در محاسبات را خواہد کنار است و ازین رو قطع مغابہ را ننمودہ - چنان معلوم میشود تا آغاز بہار جنگ شروع خواهد شد

ژاپون دولت چین را رسماً اطلاع دادہ کہ جواب روس رسیدہ - ولی خاطر خواہ او نیست - ہرگاہ دولت روس در خواہشات ژاپون نرمی اختیار نہ باید یقیناً این مغابہ بہ مشاجرہ منجر خواہد گرید و ژاپون اہدا در اجرای مقاصد خود از جنگ باز ندارد

غیر (روتر) از (پکن) خبر میدہد کہ دولت چین رسماً تصدیق حقوق تجارتی ژاپون و امریکا را در منچوریا نمودہ - از روی مہماندہ چین باید بنا بر

(مکدن - اتانگک - تانگا) برای تجارت عموم دول گشاده باشد - ولی این امر مسلم نیست که دولت روس تسلیم نماید تصدیقات چین را در باره منچوریا

(۲۲ شوال - ۱۱ جنوری)

§ اخبارات روس - تحت نکته چینی ازدوات انگلیس میبایند که اگر در اسامی شرق جنگ واقع شود دولت انگلیس ذمه دار خواهد بود - دولت روس کمال ناراضی را دارد از اینکه ملاحظان انگلیسی برای دریائی نمودن دو اشقی جنگی ژاپون اقدام نموده و دولت انگلیسی نیز اجازه بدانها داده است

§ دولت ژاپون یوم دوشنبه در (توکیو) مجلس پرچوشی انعقد نمود - گویا رأی انفصال معاملات را با روس حاصل نموده است

§ (مستر بلور) ضمن تقریریکه در منجسته نموده منباب مشاحره روس و ژاپون اظهار داشته است که من درباره وقوع و عدم وقوع جنگ رأی خود را ظاهر نمیانیم - ولی تسلیم دارم که دولتین متنازعین هر دو مذهب و مقتدر اند آنچه بر دولت انگلیس لازم است فقط حفظ فصول معاهدات است و در اجرای فصول معاهدات دولت انگلیس سعی و اقدام خواهد نمود

§ گشاده داشتن بنادر (منچوریا) را برای تجارت عامه دول و نگاهداری حقوق ژاپون را مطابق عهدنامه دولت چین تصدیق نموده است

(۲۳ شوال - ۱۲ جنوری)

§ در (منچستر) نزد مستر بلور از جانب کارساجات بارجه باقی عرضداشتی پیش شده و هیئت گسیل داشته اند که بازار پنبه بازار قرار و شرط شده - نه معامله مستر بلور در خفیه تحقیقات لازمه را وعده داده است

§ دولت روس در جمیع خواهاشات ژاپون وعده نموده است که بطریق مرضی او عمل نماید

§ در امارتهای (بلقان) آثار بغاوت بطریق عموم نمودار است - عقیده چینی بر آن است که موسم بهار

این نیران بغاوت شعله ور خواهد شد و شعله آن در مغرب زمین خواهد رسید ممکن است دولت روس را مصیبت عظام پیش آید

§ یکی از افسران انگلیسی در فوج (ده هزارس) سومالی مفودالتر است

§ از اخبارات جدید جنان مستفاد میشود که دولت ژاپون همه جهت مصمم جنگ با روس و هرگاه روس مسلک - و در آن تغییر ندهد جنگ حتمی الوقوع است

(۲۴ شوال - ۱۳ جنوری)

§ (بارن هیاشی) سفیر ژاپون در لندن را عقیده بر این است که اخبار (طمس) لفظ (التی میتم) را که از وقایع نگار (پکن) نوشته سهو نموده است چه دولت ژاپون تاکنون در نگاهداری امنیت و برقرار داشتن صالح - اعی است و امید دارد که درین منصوص منضی المرام گردد

§ اعلیحضرت ادورد هتم پادشاه انگلستان برای فتح نیایانی که (جنرال ایجرتن) در سومالی اند نموده تاگرافاً اظهار خوشنودی نموده جنرال موصوف را تبریک گفته و از تانقات قشون انگلیسی اظهار تأسف کرده است

§ طاقت بابعالی سرپرستی و نگرانی دولتین روس و استریا را بر صوبه مقدونیا منظور نموده است

§ دولت روس منباب منچوریا جمیع دول را خطی رسامه فرستاده که از مصامینش تراش امنیت میشود در ماده راه آهن منچوریا حقوق خود را ثابت داشته ولی تسلیم کرده است که از روی معاهده چین هر دولتی را حق تجارتی در منچوریا باشد قبول خواهد نمود

§ در حاقه سیاسیون آلمان تا کنون جنگ روس و ژاپون تسلیم نشده بود و طرف صاحب را قوی میدانستند ولی اکنون از تصورات اوای باز آمده جنگ دوانین ژاپون و روس را حتمی الوقوع تصدیق می نمایند

§ در وانگتن معاهده چین و امریکا من باب آزادی تجارت منچوریا و گشاده داشتن بنادر (مکدن) و (اتانگک) دستخط شده است

اظہار داشته است که من سعی ام تا جائیکه امکان داشته باشد صلح و امنیت را برقرار دارم

§ سفیر ژاپون بوزیر (خارجہ) (لاہی) اظہار داشته کہ جواب دولت ژاپون بر خلاف خیالات روس معلوم می رود و مشکل است کہ مقاصد ژاپون را روس تسلیم نماید

§ وقایع نگار (استندرد) از (ادیسه) خبر میدہد کہ بابہ لی انکار نموده است کہ جہازات جنگی روس از بوغاز بدریای سیاه عبور نمایند

§ دوا اتازونی معاهده کہ با چین من باب گذاردن جنرل قوسلی در (مکدن) و قوسلی در (اتانگ) نموده بود در مجلس مبعوثان برای امضا فرستاده و در آن مجلس بمسئله مشاہرہ آمان نیز خواهد شد

§ دولت آلمان سعی است کہ جزائر (فرہالہند) (دہمارک) را خریداری نماید. دولت اتازونی دعوی مشاعیت کرده (دہمارک) را متنہ نموده است کہ جزائر مزبورہ را یا خود نگہداری نماید - و یا اگر ارادہ فروش دارد با امریکا بفرمہ شد (دہمارک) را اختیار نیست کہ جزائر (فرہالہند) را بدولت دیگر فروشد

§ دولت ژاپون احکام خود را من باب حرکت جہازات از ژاپون منسوخ نموده - چنانچہ تاکرا فایک کشتی کہ بجانب سنگاپور حرکت کرده بود عردت دادند § (بارن ہیاشی) سفیر ژاپون اجازه خواستن دولت روس را از باہسالی من باب گذشتن کشتیہای جنگی او بدریای سیاه بی اصل تصور میکند

§ (مستر جبراین) وزیر سابق مستعمرات انگلیس کیسیون مخصوصی من باب احرای خیالات خود در انسداد آزادی تجارت مقرر نموده - اعضای کیسیون مزبور ہفتہ دو روز انجمن شدہ تصورات خود را در لزوم اصلاحات گمرک اظہار میدارند

(۲۷ شوال - ۱۶ جنوری)

§ اهالی ترسوال متفقاً منظور نموده اند کہ عملجات چینی را باجرت معین برای کار کردن در معادن طلب نمایند

§ کشتی جنگی ژاپون (کاسوگا) از (حنوا) بہ بندر سعید رسیدہ است

§ وقایع نگار (طمس) لندن از (پکن) مینویسد کہ دولت چین باز فرستادن کمیسیون انگلیس بجانب تبت اظہار عدم رضایت نمی کند - چہ سداہواب تفتین روسیان را در آن نواح ہارہمد نظر داشته است

§ بادشاہ (کوریا) کشودن بندر (دیجوا) را برای تجارت عموم دول اجازہ داده است مشروط بر این کہ دولت چین اعتراض نہ نماید

(۲۵ دوال - ۱۴ جنوری)

§ اخبارات ژاپون در (توکیو) مینویسند کہ ہرگاہ کشتی دیگر روس از نہر سوز حرکت نماید جنگ را مسلم باید دانست

§ سفیر دولت ژاپون (بارن ہیاشی) مقیم لندن اظہار داشته کہ از جوابیکہ ژاپون بروس دادہ معلوم میشود کہ آخرین خط اہام حجت (القیہیم) نیست بلکہ بسیار نرم و ملایم و باصراحت مراتب دوستانہ است نہایت تکرار نموده است حقوق خود را در منچوریا و کوریا و استقلال سلطنت چین را بر منچوریا

§ دو کشتی های ژاپون (کیگ ادورد) - و ستری وانسکوئی) کہ محمولشان زغال سنگ بود در - ویز نمایان گردیدہ - و دو کشتی دیگر او نیز بہ (کنال) رسیدہ است § کشتی جنگی روس (آسلبایا) در قرب بندر سعید رسیدہ است

§ نقش (کبتان بستر) کہ از فوج (دہ ہزارس) مفقود بود پیدا شدہ است

(۲۶ شوال - ۱۵ جنوری)

§ دو کشتیہای جنگی دو طلبان روس کہ مملو از قشون بودہ اند از (باسفورس) بجانب شرق اقصا روانہ شدہ اند § مخبر (روتر) از (پکن) خبر میدہد کہ درحلقہ سیاسیون جنگ دولتین روس و ژاپون حتی الوقوع بحث می شود

§ در روز جشن و عید روسیان اہرطور روس

﴿ اخبارات خارجه ﴾

§ اخبار (الاهرام) مینویسد که حکومت سودان اراده دارد که سودان را از مصر مجزی قرار داده حکومت جداگانه تسلیم شود ولی این خبر هنوز رسمی نشده است -

§ روزنامه (المؤید) مینویسد که در (ابوکیه) مصر مرض طاعون شدت نموده حکومت در قمع وقوع آن کوشان است

§ (الاراه) مینویسد که دولت فرانس منتهای سعی و اقدام را دارد که رسوخ و نفوذ و اقتدار خود را در مراکو قائم نماید و این امر را سبب استقامت و قوام و بقای این سلطنت اسلامی مینویسد - این عنوان از چه راه باشد معلوم نیست چه را که آنچه دیده‌ام اروپائیان هر جا ناخن بند می‌کنند ریشه اقتدار مسلمانان را کنده‌اند طاقت مراکورا هم مانند سلطنت مدناکر میسازند

﴿ مکتوب از مسکو ﴾

جناب مؤیدالاسلام چندیست که روزنامه مقدس بحث خود را در ماده اصلاحات لازمه ایران قرار داده و الحاق بحث در این عناوین امروز روز که عایقی در بین نیست الزم بر جمیع مسائل است - اگر چه عناوین غیر مربوطه و اصلاحاتیکه امروزه برای ایران محال و مخمخ است نیز خیلی در نامه مقدس دیده می‌شود - ولی باز هم برای بیداری ملت ، ايقاناً رجال دولت بر قائده نمیتوان تصور کرد

اکنون عایقی برای پیشرفت امور ملت و دولت نیست رجال حالیه دولت باید بدانند که آنچه در سابقین مذموم گفته شده و می‌شود همانا عدم توجه‌شان در اصلاحات لازمه بوده - هرگاه آنان نیز در اصلاحات لازم ملک و ملت و دولت اقدامات مجدده نمایند همان قدرتیکه امروزه ملت را از سابقین حاصل است از آنها حاصل خواهد گردید

§ در یوم جهن و عید روسیان در (دینباپس) امپراطور روس سفیر ژاپون را مخاطب ساخته اظهار فرموده است که من بسیار مباحثات و تفریباتیم همسایگی ژاپون را ضمناً نیز خیالات خودشان را بیان نموده که هیناً تمام مسائل متنازع فیه بامینیت و صلح فبصله خواهد شد - از آن بعد سفیر امریکا را مخاطب ساخته اظهار فرمود که دولت روس هیچگاه از حقوق امریکا در منجوریا چشم پوشی نخواهد نمود

﴿ پیشین گوئی ﴾

در هندوستان و اروپا مروج است که برخی در آغاز سال بعض پیشینگوئیها مینمایند چنانچه (چندت رام تران جوتشی) که مقیم (کانپور) است چنین پیشینگوئی مینماید

(۱) از ۱۷ فبروری الی ۲۱ آگست (۱۹۰۴) جنگ هنلی بین دولت انگلیس و دول ساره واقع خواهد گردید - و سلسله جذبان این جنگ روس خواهد بود - دیوک آف کسات برای انجام مهم جنگ در مقامهای مختلف سنر اختیار خواهد نمود و طاقت دول ساره فایق خواهند شد

(۲) در ماه جون اعلیحضرت ادود دهنم در تب و امراض جهانی دیگر مبتلا خواهد گردید - و از بیماری ایشان اراکین سلطنت خیلی مشوش خواهند شد امتداد این بیماری سی روز خواهد بود سپس سحت خواهند یافت

(۳) دولت انگلیس دو امارهای بومی هند را یکی در مشرق و دیگر در ممالک متوسط تصرف خواهد کرد - و این واقعه از آغاز جون تا هفدهم نومبر بوقوع خواهد رسید

(۴) در آغاز سال (۱۹۰۵) لاردرکزن طلب خواهد شد ولی بعض امور مانع از حرکت او خواهد گردید

(۵) طاعون در بمبئی کم و در صوبجات شمالی هند زیاد خواهد شد - باراهان بی محل در بعض از نواح هند خواهد بارید

توضیح آنکه پیش از آن عهدیستیکه که میرزا علی اصغر خان در هرمانی بدو سپه داشت در اواخر آنان نیز از او خوشنود نبوده میگفتند تا این درجه صحیح نبوده هر طرفی ملک و مات سکوشیدن و او قلد هرگز در به بخت گذرانیدن و از منزل او نیز ایدا کدورت مقلوبند چنانچه جسته جسته در اخبارات روس مذلت از حرکت او دیده میشود

رجحان حلیه دولت را لازم است که از عاقبت میرزا علی اصغر خان عبرت گیرند. این است عاقبت او با این دولت جاغل - زمانیکه مات عالم شود با دودماتش چها خواهند کرد خدا داناست - چرا که آن وقت خواهند فهمید که دوه مان آنها را بر باد داده است

خلاصه - درد بسیار و علاج نمودار است ولی حرف درین میباشد که علاج کدام يك از امراض را باید مقدم داشت - چه اگر بنا شود يك مرتبه دست بعلاج جميع امراض مزمنه زیم عاجز میایم - لذا باید اصلاح امور را بتدریج نمود - نگارنده را عقیده بر این است که اصلاح دو امر برای دولت و ملت ایران مقدم است بر سایر اصلاحات

اول - اداره کردن مالیات که اصلاح عمل مالیه دولت منوط بمربوط بر آن میباشد - یعنی بدو قانونی برای اخذ مالیات باید به تساوی و بدون ملاحظه از احدی ترتیب و مأمورین وصول مالیات از حزه و کل را موجب صحیح داده حدود آنها را معین و منزای جرائمشان مشخص گردد - با این حالت موجوده و وضع حالیه ملت و دولت امکان ندارد - بلکه نمیتوانم گفت بحال و منتفع است که از شخص ایرانی این خدمت اهم بدون ملاحظه صورت بندد - و شخص خارجی را نیز بر این امر گماشتن خلاف مصلحت است - لذا باید وزارت مالیه را بشخص بادانش پر منزای داده مساون او را یکی از اهالی بلژیک و امثال آن قرار داد - چون این امر بطریق صحیح صورت گرفت و عمل مالیه دولت رونق یافت اصلاحات امراضیکه در طی این امر و مراجع

بدان است ملاحظاً میشود - و نیزه با اغتشاشی عمل مالیه دولت موفق بهیچ اصلاحی نخواهد شد

دوم - تشکیل عدالتخانه بطریق صحیح مانند سایر ممالک متمدنه در ایران - بدین معنی که وزیر عدایه را باید از رجال پر هفتز با درایت و کیاست و دیانت ایران منتخب نمود - ولی برای تشکیل عدالتخانه و ترتیب قانون لازم است معاونی از خارجه جلب نمود - و در هر شهر عدالتخانه صحیحی که در تحت اداره وزارت عدلیه باشد افتتاح کرد - و تمام مأمورین جزه و کل لازم است ازدوات موجب صحیح کافی داشته باشند و دیناری بر خلاف قانون وزارت عدلیه بهیچ اسم و رسم از احدی گرفته نشود - و مانند عدالتخانه های ممل متمدنه بدون اخذ رشوه و تصرفات غیر جائزه و وسایط حکم شود - این امر لازم به بیان نیست که در عدالت خانه ایران مجبوراً اصول قانون همان قوانین شرع انور خواهد بود چرا که عامه مای که در حقوق خود رجوع بعدالتخانه ها خواهند نمود مسلمان و مراومه شان از روی شرع فیصل تواند شد - ولی اصول جریان عدالتخانه و وضع اجرای قوانین شرع انور را باید باصولی گذارده شود که از خلل و تصرفات عجا محفوظ ماند - و این عمل بدو از ایرانها بدون استعانت نتواند شد (یعنی اداره نمودن عدالتخانه) همینکه چند سالی جریان پیدا کرد و طبایع مأمورین ایرانی عادت بدرستکاری نمود میتوان معاونین خارجه را جواب داد

مجملة اگر این دو وزارت خانه بوضع صحیح در ایران دایر شود رفته رفته بسیاری از مواد فاسده خود بخود اصلاح پذیرد - امراض متضاده متعدده را در يك مرتبه نمیتوان علاج کرد - باید يك يك شروع بعلاج نموده آن امراض که مزمن و مهلك است مقدم داشت نگارنده را عقیده بر این است که مهلك تر ازین دو مرض امروز برای ملت و دولت ایران نتوان پیدا کرد لهذا اصلاح این دو مرض مقدم بر جميع امراض است

واقم (مخبرخواه)

مکتوب یکی از دانایان

مؤیدالاسلام ادام الله تعالی تابدك و تسديدك
پس از طی طریق دعاگوئی و شاخوای زحمت میدم
در نامه مقدسه شماره ۱۰ صفحه ۱۷ اعلانی درباره
اشترک ممدن طلای جنوب افریقا بنظر رسیده که
ترغیب باشترک و خریداری حصص و اسهام آن باهل
ایران بود - خیلی از کمال دور اندیشی و عاقبت بینی جناب
عالی در شکفت ماده که چگونه از تدابیر این گروه غافل
شده اید - اگر چه مرکز کان می رود که غافل شده باشید
تغافل فرموده یا حکمتی دیگر در نظر دارید

فرض بیسج وجه نمیتوان قبول کرد که ملت هوشیار
انگریز این گنج شایکان را برایگان سیارند و دست از
آن بردارند با آنکه امروز مسلم جمیع جهانیان است
که هیچ دولت و ملتی با تمول و ثروت تراز انگلیس
نیست - چنانکه همواره در اقطار عالم گردش و سیاحت
کرده هرکاری که اندک نفع در آن بینند بصرف سرمایهای
بسیار و اموال یشمار مشغول شده از فوایدش بهره ور
میکردند - چنانچه بر احدی مخفی نیست در اینصورت چمان
ممکن است که ازین معامله بر منفعت دست برداشته
بدیگران بسپارند - خاصه باهالی ایران که در هر چیز تباین
کلی دارند - هرگاه فرض کنیم (اگر چه محال است) که ملت
انگلیس بتمامی از عهده مخارج آن بیرون فیتوانند آمد
در سایر مستعمرات خود چه بسیار مردمان متمول
دولتمند با استطاعت دارند که هزارها از اینکارها را انجام
توانند داد و محتاج بخارج نشوند به نحوی که پس از
اطلاع بر آن هفته نمی گذرد مگر آنکه تمام سهام و حصص
را خریده وجه آرا ادا مینمایند با اینصورت نباید مطمئن
شد مبدا این هم یکی از اسباب جاب ثروت ایرانیهای
بجاره باشد تا آنچه از دست برد بازگ شاهنشاهی باقی
مانده باین تدابیر از چنگشان بیرون آورده بکاره بر خاک
سیاه بنشانند - چنانچه در ضمن اشترک (لیتد) یعنی بی
ضامن نوشته معلوم است چون ضامن ندارد هرگاه رئیس

کفنی بدی خیار و خرد و شوق و خریانه خود را بدو
پردازد کسی را باو حق نیست و شرکاء بجز کاغذ شرکت
نامه چیزی در دست نفلوند بآنها در دنیا بکار نمی آید
خوب است در کفن خود گذاشته در قیامت پیشت باو
ابتیاع نمایند آنچه بنظر مخلص رسید عرض کرد باقی
بسته برای جناب عالی است - والسلام علیکم و علی من
سی فی تابدالاسلام و ابقاظ الامام راقم (م. س. ح.)
شرح حال جناده نجف اشرف

عرض میشود بخدمت ذیشرافت جناب مؤیدالاسلام
ایده الله تعالی - آقای مؤیدالاسلام را قسم میدهم با روح
مقدسه انبیای کرام و بحقیقت اسانیت که این مکتوب
را عیناً در جراید مقدس درج نمایند که شاید مایه تنبه و
باعث توبه و انابه برخی از فسقه گردد

دسته (جناده) جعی از صوفیه نجف اشرف اند که
بجناده معروف اند - این جماعت عادت مسکرده اند
بر اظهار تقدس بنمودن بعضی عملیات از قبیل بی جوراب
راه رفتن در زمستان - و ژولیده داشتن حمامه - و سر
بزیر انداختن وقت راه رفتن - و تسبیح بدست داشتن -
و باین عملیات خود را مقدس شهره کرده و تمام این
زحمات مقدمه معاشیه آنان است - آحاد این فرقه سی
میککنند تا با یک نفر از علماء مربوط و در مواقع
لازمه امورا بر آن بزرگواران اغفال و حقوق را به تدلیس
اضمحلال کرده صحاح را اسقام و انوار را ظلام بنظر
آنها جلوه دهند هر یک سهمی از وجوهات بر به نزد آقایان
دارند در ترویج ریاست بعضی مداخله نامه مینمایند برخی
را از ریاست سلب دیگری را بریاست نصب میکنند و
بخیال از رؤسای جدید عهدنامه تقسیم وجوهات نصف
لی و نصف لك واقع خیرالرازقین گریخته در ترویج آن
سی بلیغ مبذول میدارند مثل جناب حاجی آقا
وسرکار (ما در این عمره متعرض اسما شریف آنها
نخواهیم شد) رئیس (جناده) و صوفیه سید لسانی
و شیخ طهرانی و ملا کازرانی بود - که هر یک
شعله بودند در حوزة مشرف - سید و ملا

و خارج این خجستان کرده و شیخ ... نیز بطهران وقت
 مرکز آستان خودی گرفت و شعله شیطانت خلوش
 این اوقات نمره هواد آنحضرت و ذیل آن جمعیت و
 حجاب الذنب و ساقه الدب جنادله مجدداً حوضه را جمع
 و دامن قنیه بسکمر خیزمایه شیطنت را آب گیری
 کرده شاید آن آب رفته باز آید بجوی همی تشکیل
 داده اند سید ... پسر سید ... لواسانی

هرچه پدرش از دسایس و شیطنت کم داشته ایشان
 تکمیل نمودند و شیخ ... پسر شیخ ... قی و
 هیوزا ... نایبی و آقا ... خجوانی سکه از اعضای
 محفل سابق سید ... بودند و این اوقات هم در دستگاه
 جناب مستطاب حجة الاسلام آقا شیخ محمد حسن مامقانی
 بنته کی پیدا کرده بواسطه این قبیل امور راجعه بصوفیه
 نجف ایشان نیز از محضر دفع و ممنوع داشته اند

دسته جنادله از ارتکاب منافی و اشاعة محرمات و
 تحلیل حرض و ناموس و احوال مسلمانان از هیچ عمل
 باکی ندارند نظیر حافیهای عراق هر يك عمل شنیعی کرده
 دیگران دلیل تراشی موده در صدد اصلاح آن برمی آیند -
 دلیل بر صدق این مقال حکایتی است که قبلاً در هیچ يك
 از بلاد اسلام تا حال واقع نشده و الشاء الله واقع نخواهد
 شد - و آن اینکه سید جلیلی از نواح و اصقاع مشرق
 ایران زوجه داشته گویا طهرانی این سید بیچاره با سید
 ... پسر سید ... لواسانی که یکی از علمداران سپاه
 جنادله است رفیق شفیق بود سید ... تمهیداتی که
 در موقع خصامت سید مشرق با زوجه اش دانسته
 بکار برده - سید ساده لوح را بر تطایق زوجه خود
 تمهیز و ترغیب کرده و بر عدم طلاق آن توییح و
 سرزنش سید بیچاره نیز نصایح او را تصدیق کرده بتطایق
 زوجه خویش اقدام کرده تمام حقوق مهریه و غیره
 او را نیز بتوسط سید ... تسلیم بعد از بیست روز
 انشاء عده همان زوجه را ... عقد میکند سید مطلع
 کار بخصوصت برخاسته امر بزفاف ملجر سید ...
 در محضر حجة الاسلام ... اولاً انکار عقد خود

کرده مجلس ثانی اعتراف بمقد صوری میکند و زوجه
 بدبخت نیز اعتراف بصیغه محرمات و غیره میباید - رفقای
 سید ... که از دسته جنادله هستند ملاحظه نمودند
 که دیگر ممکن نیست اخفای این امر شنیع را نموده
 قسمی مطالب از پرده بیرون شد که کتمان آن محال است
 لذا انتشار دادند که عقد صوری است باین عنوان این
 عمل شنیع در شهر رمضان و در نجف اشرف و محضر
 حجة الاسلام و عقد زن مردم بصیغه محرمی و عقد
 صوری اصلاح شد - باید ملاحظه نمود سکه ریاست
 مذهب شیعه و تدبیر سکنه نجف بکجا منحرف گشته
 و السفا علی السفا اصحاء رحمهم لله

(راقم علی البسطامی)

مکتوب از کربلائی علی

آثر حاتم جناب ارسطو مآب فلاطون آداب

(آقای دؤید الاطباء زید فصله)

بقانون طب جدید خصوصاً از تقریرات - (دکتر
 دی برون) مدرس طب در پاریس که در اوائل سن
 مدیر اعمال تشریحیه بوده است - و اقوال حکماء قدیم
 نیز بطریق ایجاز در حال جهاز تنفس قواعد کلیه
 سنوك قلم شکسته تا دل افسرده محض خدمت باباء وطن
 قلمی میگردد -

اما مواد زکیه - زکام التهای است که طارض میشود
 غشاء مخاطی انفی را - و منقسم می شود به دو قسم
 (حاد یا مزمن)

اسباب زکام حاد - غالباً از اسباب خارجه است -
 مانند برودتی که طارض می شود رأس را و خصوصاً
 رحابین را - و مانند اجسام غریبه که داخل می شود
 انف را - مثل مباح - و ابخره - حریره - و غارات و گرد
 و غبار هائیکه صعود مینماید از سحقی مثل ایبکاء - یا
 بعضی از گلهاء معطره مهیبه از چیز هائیکه مهیج است
 غشاء مخاطی انفی را
 و گاهی حادث می شود از اسباب بذئیه موضعیه -

زمانیکه متصل می شود به بینی اثر میکند بد آن مثل التهاب لوزتین و ملتحمه عین و اورام مجاری مرینی را - مثل بواسیر افضیه حلیه - یا علل شده علیا مثل قوباء قشریه رطبه . و قوباء صمراویه - و بسیاری از اوقات ناشی می شود زکام در ابتداء مرض عام - و آمراض عام یا حادث مثل تیوس - و حصبه و حی الزایه - یا مزمن مثل داء زهری و حنزیری

و گاهی ناشی می شود از اخذ بعضی ادویه که اخص آنها (دورالبو یا سیوم - واستحضارات پرویدات) بدانکه زکام از امراض مسریه است که بکرات مشاهده شده است - و علاوه بر آن بعضی از اجسام ضربه صفارات در افراز مخاطیه دیده شده است - مکروب مانند که متعددی می شود بهر در مشایخ بیشتر و در شبان و صیدان کتر

تشریح مرضی بواسطه مرآت امیه - ممکن است مشاهده نمودن در زکام آهانی را که گویا آنها سبب می شوند برای التهاب برلی - و آن آفات مانده برخی و ورم و انتهای اس که در غشاء مخاطی رؤیت میشود - پس از آن پراکنده می شود در شره

و گاهی عارض می شود سحج و قیق - پس از آن م طر می بود از غشاء مخاطی سائ صافی شور و تندی که متکون می شود از مسل دموی

و گاهی حارث می شود - رشحان احمرالارن بواسطه انفجار اوغیه صغیره - پس از آن میگردد افراز عایط لوح صیدی الارن و دیده می شود در آن افراز بواسطه مکرسکوب قوی گلوله های سفید رنگ

احساس زکام بدانکه احساس مواد رکیه در سه دوره تمام می شود -

دوره اول - آستکه ابتداء عارض می شود حارثی و ماشی و محری در حمرتین اهیتین سکه مصاحب اوست حشکی و انسداد منحربن - پس در ابتداء عارض می شود عطسه های متواتر و احیاناً در عقب آن عطاس رطافی ظاهر شود - پس از آن صداع که متولد

می شود از التهاب که تمتد می شود بسوی غشاء مخاطی منشی جینین جبرین را - و گاهی مشعر میشود بقشریبات قلیله و حی خفیفه و انحراف عمومی در مزاج دوره دوم - فحاجه و خلی است - در عقب جینین ابتدائی عارض می شود سیلان فریز صافی حریف از مقدم انف - پس واقع می شود در لب بالائی و لثغ میکند لب را - پس صبح میکند علیل غالباً در حالتیکه لب بالایش سرخ رنگ منتخ باوجعی در وسط لب - پس مضطرب می شود علیل بسوی تمخط - بواسطه عارض شدن انسداد در حمرتین اهیتین بسبب کثرت نزول ماده مخاطیه - پس مؤدی می شود بمقتود شدن قوه حاسه شامه و ذایقه

و گاهی تمتد می شود التهاب بسوی اغشیه مجاوره مخاطیه - پس اسبابه میکند مجرای دمی را و منتخ می شود غشاء مخاطی آن و منسد میگردد پس قطع می شود سیلان دموع در مجاری و مسالك طبیعی خودش - و ترشح میباید بر منله - و هر دو چشم کسب میباید لمعازرا و علیل صبح میکند بسخته و منظر مخصوصی که ممتاز می شود بآن منظر

و گاهی میرسد ورم به (بوق اوستاخیوس) که تمتد است بسوی خیسانیم و مسدود میگردد و عارض می شود دوی در اذنین و سمم خفیفی

و گاهی تمتد می شود ماده زکام اسوی حنجره و حادث میگردد در آن حنجره التهاب حاد که متصل بسوی شفت حنجره - درین دوره دوم مستمر می شود احساس عامه بلکه زیاد و شدید می شود مرض وضعیف می شود میل بفضاء و حالت کرب و غاق میبکورد عمومی در زمان شدت باقی دارد

مکتوب بیخضانه

(ار شاه ۱۸)

اما استراض که داخل کرب ضامن است، بخمال جووده یزان بگرفتن آبیان قبل از مدت روس راضی نخواهد شد پس از ایامات مذکور کرب کم فایده خواهد گردید ولی چندین مقالیه در این مورد خواهد بود در این مورد

روس قهراً راضی خواهد شد که همان مبلغ را با سود هرچه گذشته بگیرد و دست از آن امیدوار کوتاه دارد اگر این عنوان پسند ارباب معارف افتد از این درس سخن رانند و منافع امتعه داخله را بر شمردند - از برکت امام عصر **علیه السلام** تسالی فرجه بدون دغدغه و وحشت تمام کارها فیصل شود و خوف همه باعنیت مبدل و بازار امتعه ایران رواج و از مردم رفع احتیاج گردد - نهایت سالی چند بواسطه ترك عادت فی الجمله سخت بنظر می آید ولی راحت دنیا و آخرت در عقب دارد طاقت بعد از اضطرار ترك خواهند نمود خوب است باختیار و وسعت تدارك ترك آن کنند تا مساجد و قلوب شیعیان باک و پاکیزه گردد - لباس نسوان اصلاح شود خرجها کم و دخلها زیاد کمر بندهای زردوز فشنگ فرنگ - مبدل بجرمی قطار فشنگ شده تا روز جنگ چون پانگ تیزچنگ حاضر بدفع دشمن رندند و ظرافت های فرنگی مآبی مبدل باداب حرب و حزم و بزم و رزم و جلادت و شجاعت و ساحت و قوت گردد و معنی غیرت و عزت را بفهمند و از روی غیرت راضی نشوند سایر ملل از ایشان برتر باشند در فکر آوردن ماشینها و کارخانهجات افتاده هرچیز را با سهل و جیبی برای خود آماده نمایند در آن صورت لیسر جراید و اخبار خواهد شد و سلطنت و حکومت تن بمشورت اهل شریعت در خواهد داد - و روحی تازه و خلوص بی اندازه در اجساد و هروق ایرانیان جاری خواهد شد که همه سرعوبشان گردند و از ایشان بپرسند و آب و هوای ایران چون استمداد ذاتی را تولید میکند در قلیل زمان ترقی عمیر العقول توانند نمود که اهل ژاپون صدسال دیگر نتوانند کرد - اینکه بعضی از روی دلسوزی رؤسای روحانیرا مخاطب ساخته دوا می طلبند خدا میداند علماء اعلام در هیچ عصری تقصیر نکرده - و بقدر قوه در صد اصلاح و ترویج اسلام و اسلامیان بوده جان فشانی کرده اند - مشکل این است ملت ما وقتیکه راه چاره را از هر طرف مسدود دیده توجه بعلما نموده

استمداد میجویند

باید اول چنین اظهار ارادت و مشورت از علماء بکنند تا بافکار صائبه زاکیه طیبه علاج واقعه پیش از وقوع فرمایند - مردم که در جزئی و کلی تابع اوامر علماء باشند رجال دولت هم لابد میشود **که** باستمداد رای يك وزیر جمل رفتار نکرده حکام جور را بر مردم مسلط نمایند و قتیکه کاسهها شکسته و آنها ریخته روی بعلما اعلام مدظلم آورده اند علما اعلام هم اطمینان کامل ندارند بلکه طوف آن دارند که بعد از اقدام قبول نکنند و الا کوتاهی در اصلاح امور ملت و دولت فرموده اند - تجار اگر زاید بر لزوم معامله با خارجه را بالاتفاق ترك کنند علماء ایراد میگیرند یا تقویت میفرمایند؟ - خدا عالم است که تقویت خواهند فرمود - و حال آنکه این تجارت حالیه غیر از فضاحت و خسارت است و دولت و خود تجار قاید برای آنان ندارد - چه شد آن ثروت و آن تجار متمول ایران - معلوم است **که** پول خود را بخارجه فرستاده بارجهای رنگارنگ و آهن و سنگ باشکال مختلفه خریده آورده به بچاره گان ساده لوح فروخته و گول زده پول آنها را گرفته حمل بخارجه نموده کیسه هم مذهبیان را خالی کرده بعد از مدتی خودشان گرفتار مصیبت آن گردیده آن وقت مثل ققواء ملازم مسجد و خدمت علماء شده و آن وقتی است که پشپانی هم سودی ندارد - این تجارت نیست بلکه خسارت و خلافی غیرت است و چند نفر هم که در داخله تجارت میکنند بحس اجناس و احتکار و گرفتن جان مردم اقدام مینمایند با این وضع علماء چه کنند و چه طور اصلاح کنند باید مردم اصلاح شوند و تجار دست از تاراج مال مردم و بدشمن سپردن بردارند و در داخله بامور زراعت و تعمیر قنوات و واداشتن مردم بکسب صناعات و غرس اشجار در جنگلات و کوهساران و بیرون آوردن معادن از کوه و اراضی و آوردن کارخانهجات اقدام در لیل و نهار تخم طلا در زمین بیفشانند و خرمن خرمن

طلا و نقره بردارند - البته علما و اهل آخرت هم بجهت ترویج شریعت و تقویت مسلمانان همراهی خواهند نمود و خدا هم لشکر آسمانی را بخدمت ایشان خواهد فرستاد - فومی که روی بخدا برود و باو امر او برقرار نمایند و از او توفیق خواهند البته حلالی عالم با سبب غیبی آنرا یاری خواهد فرمود - لشکر پیغمبر در بدر صبر کردند و حافظانی در راه هدای نمودند خدا هم بواسطه ولی خود ، لایق آنرا را یاری فرمود و بر دشمن غالب نمود و در احد صبر نکردند مغلوب و کشته شدند مثل ایرانیان در جنگ با روس هرگز خدا و پیغمبر و الله و علما تقصیر نه نموده (هرچه هست از قامت نا ساز بی اندام ماست) طبعی که هست بر ماست و الا باین بلیه های گوناگون گرفتار نمیشدیم

فعلا دفع این سپاهای بنیان کن که هر قطره آن زهر حلاهل است غیر از نگرفتن و نخوردن نیست که کم کم آنها بزمین فرو رفته بمرکز خود برگردند و آب خوشگوار بدست خود از زمین طیب طاهر خویش بیرون آورده بنوشیم و زندگانی از سر گرفته احیای دین خود کنیم و فقرا را دستگیری نموده اسراف و تبذیر را ترک گفته قناعت با جناس و لباس گر باس خود نموده با عزیز شویم و گوشواره هنر من قنعر را در گوش بایم و ذات احتیاج با جانب را دفع کنیم و بر یکدیگر رحم کرده زکوة و خمس و حقوق الهی و حقوق برادران خود را ادا نمائیم و عقب هر ضال و ضلی ترویم و همیشه از صمیم قلب و بطور واقع منتظر ظهور موعود السور حضرت حجة الله فی الارضین باشیم و از خدا سنت کنیم که دین را خوی و صاحبش را ساطق و مؤمنان را زیاده و راضی کرامت فرماید - آنوقت ملائکه بیاری ما خواهند آمد امام عصر سلام الله علیه و حضرت عیسی علیه السلام تشریف خواهند آورد - و دین اسلام قوت خواهد گرفت

ولی - باین وضع حالیه روز بروز دوات ضعیف رملت نحیف و نروت تا بود و عاهاء مظلوم و مؤمنین محروم و کفار و ظالمه مسلط و اهل بدعت بسیار خواهند گردید

وضع لباس و خوراک بدتر از این خواهد شد و بتواضع خانه داری چنان زیاد شود که بهر از فکر اصلاح و آرایش خویش و خانه خود وقتی باقی نخواهد گذاشت که با اصلاحات دیگر از قبیل علوم و صنایع به پردازیم و داد و بگریه صاحبان مسارف و اخبار نگران در اجزای قانون و دارالشوری فایده نه بخشید تا ظهور حضرت درسد اگر تاجر در این عمل اقدام مجددانه کردند ما هم بتوفیق الهی تکلیف بمدرای اظهار خواهیم نمود و عاهاء اهل مظلومین الهی همراهی خواهند فرمود والسلام علی من اتبع الهدی (خادم و خیر خواه ملت اسلام ابو جعفر)

محرره

میرزا عبدالله نام تحویلدار گمرک گویا پنج شش هزار تومان از تحویل گمرک گرفته بجانب کراچی و هند فرار کرده است - این امر به تحقیق پیوسته که محرم میرزا عبدالله موصوف مستخدمین آرامه گمرک بوده اند - علت این نکته دو امر است

اول آنکه مستخدمین گمرک حسب قرار داد همه باید باستصواب جناب معز السلطنه سردار ارفع مقرر شوند - و گویا میرزا عبدالله مزبور نیز بانخاب آرامه و باستصواب سردار ارفع در گمرک مستخدم گردید - محض این که سردار ارفع نگرانی نامه در امور گمرک از آرامه دارند و موقع حیف و میل برای اعضای گمرک محرم خیلی کم بدست می آید - این نیرنگ را ریختند که شاید سردار ارفع را دل سرد از نگرانی گمرک نموده بدانچه میلی خود شان است نائل گردند - یقیناً اگر اعضای گمرک با او شریک نبودند گرفتاری او سهل بلکه فرارش بدین وضع ممکن نه بود انشاء الله پس از تحقیق تفصیل را عرض خواهم نمود

دوم اینکه از زمانیکه گمرک ایران اداره شده آنچه تقاب و خیانت بروز نموده همه از آرامه و بنزیرکها بوده است و مسلمانان درین اداره دامن بخیانیت نیالوده - اول کسیکه دست بخیانیت زد (مسبو هود) باجیبی بود که از گمرک خارج شده جریمه هم داد دیگر (آبدیناس) ارمی که بیانی رشوه گرفته حکم

دلسوز هوا خواهان وطن - و مقالات دردمندان نامۀ
مقدسه و تالماتیکه مشترکین محترم را از آن دو حاصل
شده بشارتی عظیم و مژده بزرگ محض اندراج در نامۀ
مقدس بعرض میرساند - و خاطر ترقی خواهان وطن را
بدین مژده مسرور میدارد

در اولین مسافرت ذات اقدس شاهانه که بخدایش
عمر و دولت پایدار دارد - همین که بخاک هولاند وارد
شدند اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی که هماره ترقیات ملکه
و قدرت و شوکت دولت و ثروت و رفاهیت ملت
اعظم مقاصد مقدسه شان بوده و هست - امر اکتد فرمودند
که یک نفر مهندس هولاندی را برای تعمیر و بستن (سد)
اهواز اجیر نموده روانه ایران نمایند

(این نکته البته بر شخص جناب عالی پوشیده نیست
که در بستن سد و این قبیل کارها مهندسین هولاندی
گوی مسابقت را از جمیع اهالی فرنگ ر بوده اند - و در
اروپا هم این قبیل کارهای عمده همه راجع بمهندسین
هولاندی می شود - چه درین فن مهندسین هولاند تقدم
بر جمیع مهندسین فرنگستان حبسته اند)

ولی از بس رحال دولت علیه و ملتزمین رکاب
شاهانه را مشاغل عمده در پیش و خیالات عالی در
سر بود باوجود اوامر اکیده ملوکانه و تأکیدات مجدانه
شاهانه این مقصد عالی در عالم تصور و خیال باقی و
احدی از ملتزمین رکاب شاهانه متوجه اهمیت این امر
ملوکانه نشده عقب نکردند - و اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی
چند نوبت بجناب امین السلطان تذکره اجرای این
حکم را فرمودند - ولی خیالات شخص امین السلطان
منافی با اجرای این حکم مفید ملوکانه می نمود -
خلاصه این حکم شاهانه نیز مثل سایر احکام مفیده
دولت معطل ماند

تا اینکه ممتاز السلطنه وزیر مختار دولت علیه
ایران سمت مأوریت لاهی و قیام در دربار هولاند
یافت - نظر بخیالات حسنه و نیات مستحسنه که در
ترقیات ملک و ملت دارد در صدد اجرای این حکم

بدخول رنگ جوهر داد که از جانب دولت سلطنت
مانعت شده - چون کار بی برده شد (آبدیناس) بقتل
خود میادرت کرد همکارانش محض اینکه برده بروی کار
ای اندازند ظاهر داشتند که (آبدیناس) دیوانه شده
خواست خود را بخدای آسمان مالحق نماید - مسلم است
اگر دیوانه بود رئیس گمرکش نه مینمودند

سوم (بطاؤس) ارمی مدیر گمرک لنگه سال گذشته
میسالنی در گمرک حیف و میل کرده عاقبت مجبور
بامتنضیاش نمودند ولی او بار خود را بست و رمت

چهارم - کپتان جہاز مظفری است که یک ناکی
آب بایک مبلغ آهنی برای جہاز مظفری ساخته چند
هزار تومان صورت مخارج داده - تا آفیسر جہاز که
فرمانرواست امضا بجاید آفیسر مزبور امتناع کرد کپتان
جہاز که بلژیکی است بحمايت رئیس گمرک که آن هم
بلژیکیست آفیسر جہاز را از خدمت خلع نمودند - ازین
گونه قلیات بسیار دیده میشود که نگارشش مورت
انتیاز قلوب است

باری برای اینکه دامن مسلمانان را هم پلوت خیانت
ملوث نمایند - عداقه نامیکه یغشاهی اعتبار نداشت ارامنه
آوردند خوبیدار گمرکش نمودند - و عاقبت در آن
خیانت با او شرکت کرده گریزانندش - در حقیقت
یک تیردو نشان کردند - دولت را لازم است مقتضین
متدین ظاهری و آشکارا بر گمرک قرار داده مواجب
مصحیح بدهد و مردمان صحیح منتخب نماید تا دخل عمده
ایران که از گمرک است از دست برد خائنین خارجی و داخلی
م محفوظ ماند اگر گمرک مفتش صحیح از طرف وزارت
مالیه نداشته باشد این اجنبیها از هیچ خیانت دریغ
نخواهند نمود درین موضوع الشامالہ ازین و بعد ما
ملاحظات خود را خواهیم نمود

مکتوب از طهران

۲۹ شوال ۱۳۲۱

(مژده بستن سد اهواز)

جناب مؤید الاسلام - در مقابل آن همه ناله های

محکم شاهانه (که مبنی بر احیای یک مملکت وسیع و ثروت عمده ملت ایران بود) برآمد تا جایی که مقدرت داشت مساعی حبیله بکار بود - مسلم است با عدم توجه شخص اول دولت اینگونه اقدامات بدون اثر میباید - ولی ممتازالسلطنه در مواقع لازمه مذکره از اجرای این حکم محکم شاهنشاهی می نمود - و با مهندسی بخاربه کرده که اگر احیاناً موقعی بدست آید و حکم جدیدی صادر شود فوراً در موقع اجرا آید و فرصت مغلل اندازی برای مانندین نباشد (این نکته نیز بر جنابعالی پوشیده نیست که مهندسین هولاندی را با اینکه تمام فرنگستان خواهانند بزودی نمیتوان بدست آورد - و هرگاه هم شخص درستی بدست آید یا شرایط ما را قبول نمی نماید و یا از قوه ما بیرون است خواهشات او را قبول نایم - ممتازالسلطنه با زحمات زیاد و با اطلاع وزارت خارجه هولاند مهندسی را انتخاب نموده و با طهران شروع بمکاتبه کرد - پس از محاسبات زیاد از طهران تلگراف زدند که عجماله مهندس لازم نیست ناچار دست نگاهداشت - ولی از اجرای این مقصود مقدس شاهانه باز نایستاد

تا زمانیکه اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی خلدالله ملکه مجدداً در فرنگستان رونق افروز شده - در اولین مرحله که ممتازالسلطنه شرف اندوز حضور مهر ظهور هایونی شد بحیثیکه داشت گفتگوی مهندس برای بستن سد اهواز بود مقصودش متذکر ساختن خاطر شاهانه بود اعلیحضرت ملوکانه که تمام توجه و خیالات مقدسش صرف تعمیر ملک و رفاهیت ملت و ترقی دولت است و دعای وجود مبارکش بر جمیع بشاء وطن و عامه مسلمین فرض عین میباشد فوراً دستخط فرمودند که دو هزار فرنگ برای مصارف مهندس تا ورود بطهران بممتازالسلطنه داده شود و صورت قرار نامه را ~~که~~ ممتازالسلطنه با مهندس مزبور قرار داده بود از نظر هایونی گذرانیده پسند فرمودند فوراً ممتازالسلطنه قبض داده دو هزار فرنگ را باز یافت داشت - چون به (لامی) عودت نمود مهندس اولیه

مایوس و ناامید شده در عقب کار دیگر رفته بود - مجبوراً کار را از سر گرفته در تلاش مهندس دیگر برآمده در همان ایام بعضی از خائنین میگفتند مهندس لازم نیست و ابتدا مائل نبودند این امر صورت بندد و این بنده که در رکاب هایونی بود بگوش خود شنیدم که ممتازالسلطنه را در فرستادن مهندس منع می نمودند - بلی اخبار شخصی است که ماها را باین روزسیاه نشانده - با این همه اقدامات این امر تا وقتیکه جناب امین السلطان بروی کار بود صورت نگرمت یعنی مایل نبود این عمل صورت بندد عاتراً هم دانشمندان بهتر میدانند بالجمله - بعد از عزل و حرکت امین السلطان از ایران طولی نکشید که مهندسی را بهتر از مهندس اول که موسوم است به (قرات و ان روخین) ممتازالسلطنه انتخاب نموده شرایط و قرارنامه دولت را بهر قسم بود باو قبولانده روانه طهران نمود - مهندس مذکور بهترین مهندسین هولاند است - و وزارت خارجه و وزارت طرق هولاند معرف و مصدق اوست - چون مهندس مذکور وارد طهران شد باز بعضی اشکالات پیش آمده مدتی معطل ماند - تا اینکه نواب اشرف والا شاهزاده عین الدوله و جناب اشرف وزیر امور خارجه اقدامات شایان نموده و مساعی ممتازالسلطنه را بدقت نظر فرموده و اعلیحضرت اقدس ملوکانه نیز امر ثانوی صادر فرموده این امر اهم صورت وقوع پیدا کرد - هیچ نمانده بود ~~که~~ مهندس موصوف از طهران معاودت بهولاند نماید و این مسئله اهم تا سالهای دراز باز در حرسه تعویق ماند - الحقی نواب اشرف والا شاهزاده عین الدوله و جناب اشرف مشیرالدوله وزیر امور خارجه در اجرای این مقصود مقدس شاهانه اقدامات مجدداً و مساعی حبیله بکار بردند

چون مراتب فوق الذکر بخاکبای هایونی عرض شد خدمت جناب ممتازالسلطنه را تمجید فرموده بوزارت خارجه دستخط شد که تمهيلات و مخارج راه و مصارف آلات مهندس را بموجب صورتیکه خودش پنج هزار تومان

معین سکرده باو داده فوراً روانه بجانب اهوازش
سازند. وزارت خارجه نیز بلادرنگ دستخط هایونی
را در موقع اجرا آورده روانه اهوازش ساخت و
حکم دادند هر قدر مصارف او را درکار لازم شود
گرنه و بست خانه عمره بدهد. و نیز امر اکید بحکم
صادر شده که از هرگونه همراهی و تهیه و تدارک لوازم
کار مهندس مزبور کوتاهی ننمایند. گویا یکی از مهندسين
ایرانی را هم برای تکرانی اعمال و معاونت درکارها
بهمیت مهندس هولاندی فرستاده اند. مهندس مذکور
یک ماه قبل از طهران بجانب اهواز رهسپار گردید
امیدواریم از نیات مقدسه شاهانه و توجهات اولیاء
دولت علیه این امر اهم بزودی صورت بندد

حبل المتین

بدین مژده گرجان لشنام رواست

که این مژده آسایش جان طاست

توجهات شخص مقدس ملوکانه و ذات اقدس
شاهانه خلدالله ملکه در تعمیرات ملک و رفاهیت ملت و
ترقی دولت از احکام آکیده شان در ماده بستن سد اهواز
که بالغ بر سه سال است صادر شده بخوبی استنباط تواند
شد. و مانع از اجرای مقاصد شاهنشاهی نیز تا امروز
کی بوده ازین عنوان تا بحکم درجه ظاهر تواند گردید
هرگاه تا امروز عواقب منحوسه مانع از اجراء
خیالات مقدسه شاهانه نبود. تاکنون ملت ر دولت
ایران ترقیات طالبه نموده بمقامات متعالیه نائل شده بودند
چه از آغاز سلطنت در ایران پادشاهی باین رأفت
و مهربانی و شهریاری بدین مصارف پژوهی و ترقی
خواهی براریکه شاهنشاهی ایران پای نه نهاده. حضرت
رب العزیز این شاهنشاه ترقی خواه معارف دوست ملت
نواز را عمر طبیعی بخشاد. تا در دامن تربیتش ملت نجیب
و دولت قدیم قویم ایران بمراتب و مدارجیکه شایسته آنان
است نائل گردند

درین مقام نباید خیرخواهان وطن از خدمات و
اقدامات مجدانه نواب اشرف و الا شاه زاده آزاده

عین الدوله. و مساعی جمیله جناب اشرف مشیرالدوله وزیر
امور خارجه که در اجرای این مقصد مقدس ملوکانه
که مورث احساسی يك ناکت است چشم پوشی نمایند.
چون به نظر دقت بملاحظه شود از وقتیکه طایق ترقیات
ایران و مانع اجراء آن معاصد مقدسه ملوکانه از میان
برخاسته ابواب نیک شفیق و سعادت و رحمت پارتیسان
رخ نموده است. و امیدواریم عما قریب اینکات نجیب و
دولت قدیم قویم در سایه هوائیه ملوکانه بدرجه ترقیات
مخیر العقول نموده که اسباب غبطه سائر ملل و دول
متعدنه عالم چنانچه هماره بوده بگردند

بر ارباب بصیرت و دانایان سیر پوشیده نیست که
صوبه اهواز بمالکتی است بسیار وسیع و زرخیز که
در ایام سلف و اوان آبادانی فقط همینکه مات و هوات ایران
از صوبه اهواز حاصل می نمود اضافه از آن بود که
امروز روز دوات عالیه از جمیع ممالک ایران حاصل
می نماید. این ممالکت زرخیز و این آبادی هنگفت
بواسطه خرابی سد کم کم روی بویرانی نهاده تا امروز
که يك مرتبه خراب و باثر افتاده است همینکه سد آن تعمیر
نمود زمانی طول نکشد که بر آبادی اولیه اش بیفزاید
اهواز در نقطه و محلی واقع شده که دولت را در تعمیر
و آبادانی آن چندان صموبت پیش نمی آید شرح این
مراتب را انشاءالله ما در آتیہ خواهم نگاشت

آنچه سیاحین فرنگ تخمین تعمیر سد اهواز را بوضع
جدید نموده اند يك کروور الی يك و نیم کروور تومان
است. دو کروور دیگر نیز دولت باید در سائر تعمیرات آن
بتدریج صرف نماید در حقیقت ممالکتی بصرف سه و چهار
کروور تومان آباد تواند شد و پس از ده سال سالانه بیست
کروور تومان بر ثروت اهالی ایران خواهد افزود علاوه
بر این اراضی اهواز شکرخیز و برای زراعت نیل خلیل
موضوع است چنانچه در ایام آبادانی شکر و نیل اهواز
شهره آفاق بود همینکه انشاءالله الرحمن سد بسته و ملک
معمور گردید علاوه بر منافع دیگر ازین دو جنس عمده
که مابها لابنتلای طامه است ایران مستفنی خواهد گردید

لقد - الحق حج مزبور در قول خود صدق است و اشکوه امیر از داعی بواسطه کثرت مشاغل و ابتلاء بر او و مسلمانان است - لذا محض تلافی مافات بکتوب عباسی خود را که بواسطه اصطکاک بضرایح مقدس متبرک شده بجهت جناب عالی فرستادم که در اقدامات خیریه و مساعی حیه که راجع بحفظ حقوق اسلامی است مجد و ثابت قدم باشند - الشاکه اطانت صاحب شریعت با شما خواهد بود - دعاگو نیز تحت قبه منوره همیشه بصورت اهل اسلام را از خداوند مستانت میکنم - و از بعض ترتیبات که صموم میشود علائم قوت و شوکت اسلامی استنباط میشود - امید است از بذل الطاف اعلی حضرت شاهنشاه اسلامیان پناه جمیع مفاسد - سابقه بعد از این اصلاح بشود - اللهم ابدالین و اهل بنصرک والسلام

(من الاحقر محمد الشراياني)

(محل مهر مبارک)

- سواد تلیقه حضرت مستطاب سیدالعلماء
- العاملین آیتها فی طلبین ظهیر الملة والدين
- حجة الاسلام والمسالمین بندگان آقای امام
- جمعة طهران مدظله العالی

(رمضان المبارک ۱۳۲۱)

جناب مستطاب سید الافاضل ناصر المعارف مؤید الدین ناصر المسلمین نتیجة العلماء العاملین المروج لطریقه حده سید الانام آقای مؤید الاسلام ایداه تعالی

بسم الله الرحمن الرحيم

معروض میدارد - نشاء الله الرحمن وجود شریف بصحت و استقامت مقرون و از عوائق و مکاره زمان معزون خواهد بود - و همواره بتأییدات ربانیه و توفیقات سبحانیه مؤید بوده اید - اگرچه از زمان مهاجرت تاکنون از انجذاب مراسله اشفاق نیفتاده جهت آن اشتغال بمم ام امورات مسلمین بوده - ولی خود مستفسر سلاقی وجود شریف بوده ام و خود مندرجات روزنامه مقدس جبل المتین کاشف از سلامتی جناب عالی بوده و شاکر بوده و مدبشتم - الحق

مندرجات روزنامه همه کاشف از حسن نیت و کمال غیرت در دین و حفظ حشمت اسلام و مسلمین و تشیید قوانین شریعت حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله الطاهرین است - بمحمد اده بروش آباء و اجداد گرام خود که همه از اساطین دین و علماء عاملین بوده اند اقتضا نموده و اقتدا فرموده اید - و از ترویج شرح مقدس بقدر امکان نیاسوده اید - جز الشاکه من الاسلام و اهل خیراً و رفک الله منزلة و قدرا -

این اوقات که در محفل اشرف زادگاه شرقا علی شرف به تقبیل عتبه عالیة علویه و سده سنیه مرآتویه علی مشرفها آلاف الصلوات والتحیه مشرف شده - جناب شریتمدار تقة الاسلام سیدالعلماء الاعلام آقای حاجی سید محمد علی سلمه الله تعالی اخوی جناب عالی را ملاقات نموده متذکر آنجناب گردیدم - لازم دانستم که درین بقعه مقدسه یادی از جناب مستطاب نموده باشم - لهذا بکتوب عباسی نفیس از منسوجات نجف که بهترین تحف است برای آنجناب فرستادم که زیب بیکر سعادت اثر خود نموده با کمال جهد خویش مثل پیش در نشر مصالح عامه قیام و اقدام داشته باشیید والسلام

زین العابدین ابن ابوقاسم الحسن الحسین

مهر مبارک

جبل المتین

خدای را شکر که خدمات ناچیزانه این ذره بی مقدار منظور نظر کیمیا اثر حجج اسلام و مرغوب خاطر مهر مظاهر اساطین دین مبین ادام الله ظلالهم علی مفاریق المسلمین گردیده - تا این درجه مورد بذل مراعیم مخصوصه آن بزرگواران واقع شده که بخلاص فاخره و تبرکات متفاخره بن پوشهای مبارک این ناچیز را یاد و شاه و مفتخر فرموده بین الاماتل سر مباهات اهضای نامه مقدس را باسپان اقتضار سودند - این اول افتخاریست که از حسن قسمت نصیب این خادم اسلامیت گشته که حجج اسلام از آستان ملک پاسبان مرآتویه علی مشرفها آلاف التحیه مرویه و مشوق و

حوصله افزا گردیده اند - از اعضای این اداره اسلامی
 جن امدای لشکرات صمیمی چه برآید - از درگاه
 رب عزه سلامتی و جزد مسعود طامه علماء اعلام خاصه
 صحیح بلامه که حوصله افزای اعضای این اداره اسلامی
 شده و طایفه سربندی این تاجیز بین الامثال گردیده
 خواستگار و ادعیه خیریه آن بزرگواران را در ازدیاد
 توفیق خدمات اسلامیہ مسلمات می نمایم

مکتوب

استفاده و توبه نافه

حضرت سجاد با رب العباد در مناجات عرض
 میکند (و نمود بك من سوء السريرة و احتقار الصغيرة و
 ان يستحوذ عاينا الشيطان او ينكبنا الزمان - و نمود بك
 من تناول الاسراف و من فهدان الكفاف - و نمود بك
 من شانه الاعداء و من الفقر الى الاكفاء و من معيشة
 في شدة و ميتة على غير عدة)

معنی واضح است - ما هم باید تاسی با امام خود جسته
 درین مراتب پناه بخدا بریم - از حضرت رسول صلی الله
 علیه و آله مرویست که - هر که سعی کند در حاجت برادر
 مسلم خود که رضای خدا در آن و صلاح او نیز در
 او باشد - گویا هزار سال خدا را عبادت و اطاعت کرده
 و يك عقیقه معصیت پروردگار خویش نموده است
 لهذا این خادم و خیرخواه مات این چند سطور را
 بواسطه چاره خواستن وطن خواهان نوشتم - و طریقه
 رفع غایبه مایله حایه مات اسلامیہ (که از افعال
 بخودمان ایجاد شده) و دفع قرضه (که تنگ دائمی بر ما
 نهاده) و رفع نقائص امره کمرک جدید (که خانها را
 پر با داده ابداء مات و دولت را مفید نیفتاده) نوشتم که
 برقی ما از حسیض ذک باعلی درجه اوج عزت منحصر
 در این است که يك مرتبه انسداد تجارت خارجه و افتتاح
 تجارت داخله نایم و مؤمنین ساده لوح را اجبار باستعمال
 امتعه و البسه و اقشہ اسلامیہ گردانیم و فرض کنیم که
 خلا غیر از ملك ایران مملکتی نیافریده یا آفریده راه
 مملکت ما را قطع فرموده هر چه بر آن تقدیر میگردیم

حل رفتار کنیم و آیه وافی هدایه (ولن یجمل الله الکافرين
 علی المؤمنین سیلا) را مدنظر آوریم - و خودمان سوء
 اختیار راه برای آنها نگشایم - و خود را در جنب کثرت
 و ثروت آنان که از ماها جمع کرده اند ، مضمحل و
 نابود نسازیم و اسراف را ترك کنیم و قوت کفاف
 خود را از دست ندهیم - و دوستان را بلامت و دشمنان
 را بشهاتت خود و نداریم و خوبشتر را محتاج و فقیر
 بهمسران بلکه پست تر از خود نگردانیم - و وسعت معیشت
 خود را مبدل بشدت نسازیم - تا روزگار ما را در ذلت
 و خواری نیندازد - و سلاطین حبار ما را درهم نشکنند
 و مصیبت کبری را بر ما وارد نیسازند تا حسرت و
 امسوس عظیم نخوریم - و آسپور را خدمت مؤید اسلام
 که خدایش نایب و ثواب جمیل و اجر جزیل کرامت
 فرماید فرستاده - امید که در نامه مقدس درج فرمایند
 اگر چه بدو قبول این امر در انظار بعضی بسیار
 دشوار و طامه برادران ما ترك استعمال امتعه خارجه را
 مشقت بزرگی انکارند - و عادت را بترك نمودن صبر
 نتوانند (صبر تلخ است ، لکن بر شپه برین دارد) قناعت سحت
 است ولی فواید دیوی و اخروی دارد زهر و بی
 رغبتی در امتعه لذیذ دنیا زحمت دارد ولی راحت
 دنیا و آخرت در بی اوست هر گز بی رنج گنج میسر
 نگردیده - و بی زراعت و افشاندن تخم خرمنها حاصل
 نیساده حنبر محض رضای خدا و رسول و آل
 طاهربن او صلوات الله علیهم و رفاهیت و آسودگی مات
 و محافظت شایسته و امت نبویه و تقویت دولت اسلامیہ
 و دفع اعتراض بر علماء اعلام ایدهم الله تسائیدانه که
 چرا اقدام در رفع مفسد اهل اسلام نمی فرمایند
 نیابتاً عن العلماء برای پاش بندگی که اگر آن بزرگواران
 حکمی صادر فرمایند فریاد تجار بلند شود که ضرر
 بر ما وارد آمده و امتعه خریده بودیم تا فروش مانده
 اندکی از فواید انسداد تجارت خارجه که راجع بدینا و
 آخرتست و همه علماء و ادباء تصدیق دارند می نویسم
 تا تجار محترم را بعد از این اعتراض نباشد و آنهام حجة
 گردد و قوری ماتفت شوند امید که خداوند از برکت

اطمینان حضرت عجل الله فرجه اثر و توفیق فهمیدن ضرورت و نفع دنیوی و اخروی همه ماها کرامت فرماید. و همه ماها را بواسطه همین مجاهده نفسانی از انصار و اعراب حجة خود و حافظین تنور مسلمین و مجاهدین مشمول و مفهوم (والذین جاهدوا فینا لنمهدینهم سبائنا) قرار دهد. و دین مبین را با ترویح فرماید و فقر و سعادت ابدی ما را بدست آید. و الا خداوند قادر و مقرران بارگاه او از اطاعت مخلوق غنی و بی نیاز اند (والله غنی و اتم القراء) شاهد مقال است. ولی هرگاه از معاسی سابقه توبه کنیم و معاد (یا ایها الذین آمنوا توبوا الی الله توبه نصوحا) گردد و حائفشان و مجاهده کرده صدمات و اطهار. روزگار غدار و ترک متاع اخیار را متحمل شویم امید که پروردگار و مقربانش جبران بد رفتاریهای سابقه ما را فرمایند. و ماها را از رطابای با اخلاص خود شمرند. و از متمرذین و گردکشان بیشتر نیاورند انشاءالله. فوائد انسداد تجارت خارجه بسیار درین جا اگر باندکی اختصار کنیم

- (۱) سالی کرورها پول اهل اسلام از مملکت بیرون رود
- (۲) همین مبلغ از ثروت بیگانگان هر سال بکاهد
- (۳) همین مبلغها هر سال در میان مسلمانان پراکنده و باقی ماند و بر ثروت آنها بفزاید
- (۴) دولت همین مبلغ از خرج تمام اهالی کم شود
- (۵) دخل کسبه و فراه بخرج ایشان کافی گردد
- (۶) بواسطه کمی خرج کسبه و فقراء محتاج نگردند و خورد خورد غول اندوخته نمایند
- (۷) تکدی و سؤال بکف از فقراء برطرف گردد
- (۸) هر بیمار و فلندر مشغول کار شود
- (۹) فرانس و اوباش نادرالوجود گردد (باقی دارد)

نقل از روزنامه شه یفه ادب

تأدیب قمار بازان در مملکت چین
 خبر تکراری که از جراید اروپا که برای تحصیل و

تکثیرش اخبار چین رفته بود تفصیل ذیل را بدین سبب آمده که از صرف وی ناموریت داشت نگاشتگشت. از زمانی که پای من بخاک چین رسیده است خود را در طایفه غیر از آن عوام که دیده بودم مشاهده میکنم. بحدی از مشاهده اطوار ناپسند و حرکات نامطوب و اخلاق و طبایع زشت مردم اینجا بستود آمده بودم که نزدیک بود بدون هیچ ظنیده و وسیای سر خودانه ازین عمارت رخت اقامت برگزیده و راه وطن بیایم

چیزی که باعث اندکی تسکین قلب و ترمیم وحشت گردید ملاقات یکی از مترجمین چینی بود که زبان ما را خوب میداست و بواسطه همزبانی طرح آشنائی با وی در انداختم

در ایام معاشرت با این رفیق روزی از او خواهش کردم که یکی از غرایب اخلاق و رسوم چینیان را بمن ارائه کند. و عرضم آن بود که چون اکثر حالات و آداب مردم چین را مخالف طبایع و عوائد اروپائیان میدیدم شرحی از غرایب آداب ایشان به مدیر اداره خود نوشته و ارسال دارم. مترجم مزبور خواهش مرا پذیرفته و گفت تو را برای تماشای یکی از دیوانخانهای که امثال شما در آنجا مانع نمی شوند وارد میکنم بشرط اینکه پس از ورود در گوشه ایساده ساکت و صامت و بی حرکت باشی نه بنشین نه حرف بزنی. نه اظهار حیات کنی زیرا که اگر اب بسخن بازگشائی بیست تازیانه خواهی خورد. گفتم آسوده باش من ایستدر مساط بر زبان خود هستم که بتوانم خود را در ظرف بیحقیقه گنگ و لال تصور کنم و اگر اتفاقاً زبان سخ سرکشی آفازد و مرا در شکنج ضربت تازیانه در اندازد چندان تن پرور و تن آسان نیز نیستم که از بیم اتم تازیانه لذت دیدار امور خاوی طادت را از دست فرادهم.

گفت اکنون که باین اندازه مسامی و مشتاقی قدم بردار و برفتن شتاب گیر بالاخره متفقاً رفتیم تا بهار بزرگ طلی رسیده در مناطق و بی بی که جامعاً دو آنجا